

حاصل مبارزات دانشجویی: اعتلای مبارزات طبقاتی کارگران کره جنوبی

از مجموعه تحقیقات بین المللی کانون مدافعان حقوق کارگر

کانون مدافعان حقوق کارگر در سلسله نوشتارهای خود در رابطه با جنبش کارگری کشورهای دیگر سعی کرده است تا حد توان به تجربه مبارزات جنبش کارگری امریکای لاتین، افریقا، خاورمیانه و آسیا بپردازد و نشان دهد که بنیان مبارزات در همه کشورهای سرمایه‌داری یکسان است هر چند برخی از نمودهای این مبارزات متفاوت است و ابزارهای سرمایه‌داری نیز برای به انقیاد آوردن جنبش‌ها ی مردمی در مکان‌های جغرافیایی متفاوت است و اصل بر استثمار بیشتر و بینوایی بیشتر بر طبقه کارگر بنیان نهاده شده است.

در نوشته‌های قبلی کانون به موقعیت اقتصادی-سیاسی و در عین حال رشد نیروهای مولد و نهادهایش در برخی از کشورهای آسیایی پرداخته شده است. به طور مثال در مقاله جنبش کارگری فیلیپین و نپال دو موضوع برجسته بود: شرایط عینی و ذهنی جامعه در چه سطحی است و چگونه مطالبات نیروهای اجتماعی را می‌شود به دست آورد. یکی از مشکلات اساسی نیروهای اجتماعی مترقی حامی دو جنبش کارگری فیلیپین و نپال را این گونه می‌توان توضیح داد که این نیروهای اجتماعی به تاثیر از تئوری مائو مبنی بر نیافتادن در چاله اکونومیست، در چاه شعارگرایی و پوپولیزم عامیانه افتاده اند. در نپال جنبش کارگری و جریانات سیاسی به دلیل نگاه متفاوت به مبارزه صنفی و سیاسی در دو دهه پیش نتوانستند مبارزه را در کنار یکدیگر و در یک جبهه مشترک به پیش ببرند و نیروهای سیاسی نتوانستند جنبش کارگری را همراه مبارزات سیاسی خود گسترش دهند و عملاً رهبری کارگری را از دست دادند، به گونه ای که جریانات مائوئیست جهانی به جای نقد عملکردشان مشکل را از جنبش کارگری نپال دانستند و ادعا کردند که مبارزات کارگری در مسیر خواست شرکت‌ها ی چند ملیتی افتاده در حالی که دستیابی به تغییرات دمکراتیک گام اولیه و اساسی کشورهای استبدادی است و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بالطبع در یک پروسه تاریخی به وجود می آید. نپال، امروز کانون یادگیری سازماندهی کارگری معاصر است و بعد از جدایی و کناره گیری نیروهای سیاسی مائوئیست جهانی از جنبش کارگری نپال این جنبش اقدام به سازماندهی کارگری نموده و توانسته است در این مسیر گام‌های موثری در جهت پیشروی جنبش کارگری بردارد و در سال ۲۰۱۵ خانم بیده‌های داوی باهندری (Bidhya Devi Bhandari) را که رهبر حزب کمونیست بود، به ریاست جمهوری نپال برگزیدند.^۱

در رابطه با فیلیپین قضیه متفاوت است جنبش مائوئیستی با شعارگرایی ذهن گرا سبب دامن زدن به درگیری بیشتر مابین نیروهای سیاسی و گرایش‌ات صنفی شده است تا جایی که جریانات سیاسی نیروهای صنفی را تخریب می‌کنند و در هر زمینه ای که بتوانند سد راه سازماندهی صنفی می‌شوند. در کل نیروهایی که می‌خواهند مبارزات صنفی را در تمامی زمینه‌ها به عرصه سیاسی بکشانند اما مرزی مابین مبارزات اقتصادی و سیاسی ترسیم نمی‌کنند و می‌خواهند که نیروی کارگری تنها در مبارزات خود در مسیر انقلاب باشند؛ شناخت کافی از وضعیت عمومی جامعه ندارند، جامعه ای که بسیار اسیر خرافات و فقر و دست کم

گرفتن دشمن طبقاتی سرکوبگر است. این درگیری‌ها ی درونی و سیاستهای کارگری مبارزان صنفی و سیاسی در فیلیپین فقط زمان مبارزه برای دستاوردهای اساسی را طولانی تر کرده و مبارزه را تبدیل به یک مبارزه فرسایشی نموده است.

در مقایسه جنبش کارگری نپال و فیلیپین با کره جنوبی باید به شرایط و موقعیت متفاوت این کشورها توجه کرد: از نظر بعد جغرافیایی، نوع سازماندهی که در این جنبش‌ها وجود دارد و نقش سازمان‌های سیاسی این کشورها در رشد یا تخریب این جنبشهای کارگری.

جنبش کارگری فیلیپین و نپال از برخی نیروهای سیاسی که گرایش به راست پیدا کرده اند فاصله گرفته تا تاثیرات منفی آنان را کم کند اما جنبش کارگری کره در خلاء سازمان‌های سیاسی قادر به سازماندهی جنبش کارگری در کنار جنبش دانشجویی شده است.

اهمیت کشور کره جنوبی در جهان بعد از جنگ جهانی دوم در تناقضات بلوک شرق و غرب پدیدار شد. سه کشور کره، ایران و آرژانتین بزرگترین پایگاه و مهمترین جایگاه را برای سرمایه‌داری امریکا در سه منطقه بحرانی آسیا، خاورمیانه و امریکای لاتین داشته اند در یک مقایسه بین ایران و کره یکی از تحلیل‌گران در مقاله ای تحلیل چهار چپ غیرایرانی می‌نویسد:

"در آغاز نیمه دوم قرن بیستم شباهت‌های اقتصادی- سیاسی ایران و کره جنوبی بسیار بود. این دو کشور با هم روند صنعتی شدن را آغاز کردند، کارگران آنها تقریباً همزمان از دل یک جامعه فئودالی، کشاورزی سربر آوردند، هر دو صنعتشان را با مونتاژ عاریتی از امریکا و انگلیس آغاز کردند و از لحاظ سیاسی هم رهبری فکری جریان چپ در هر دو کشور، به عهده جنبش دانشجویی بود. جنبش دانشجویی کره جنوبی که به اقتضای فضای آرمان‌گرای دانشجویی، رادیکال و انقلابی بود، اما این فضا را به جنبش کارگری کره منتقل نکرد و آن را تنها در حوزه جنبش دانشجویی حفظ کرد. روشنگری و خط‌دهی دانشجویان کره‌ای، در حد آگاه کردن کارگران از حق اعتصاب و لزوم تشکل و سازماندهی و همچنین ایجاد کانال پیوند علمی - صنعتی بین دانشگاه و کارخانه بود. اکثر دانشجویان کره‌ای، همزمان با تحصیل، در کارخانه‌ها هم کار می‌کردند و کارگران اگر شانس تحصیلات دانشگاهی را هم نداشتند، حداقل مرتباً در دوره‌های آموزشی مرتبط به کار خود شرکت می‌کردند. به تدریج کره جنوبی کشوری کارگری-دانشجویی شد. این پیوند موفق کاملاً منافع آنها را به هم گره زد. در سراسر نیمه دوم قرن بیستم، در کوران مبارزات سیاسی، جنبش دانشجویی و جنبش کارگری پشت هم‌دیگر را خالی نکردند."

هر سه کشور از جنبش دانشجویی قوی برخوردار بوده و به طور دائم زیر چکمه نظامیان قرار داشته اند. غرب و به طور مشخص امریکا، مستقیم و غیرمستقیم به حکومت‌های آنها برای مقابله با کمونیزم کمک کرده است.^۳

کره کشوری که قرن‌ها مستعمره چین و ژاپن بوده و یکی از عقب مانده ترین کشورهای آسیا به شمار می‌رفت، کشوری که نه منابع طبیعی و انرژی‌زا داشت و نه از لحاظ مالی قوی بود ولی بعد از جنگ جهانی دوم عملاً به کشوری تبدیل شد که نه تنها یکی از بزرگترین کشورهای صنعتی جهان است بلکه مهمترین پایگاه نظامی امریکا در منطقه خاورمیانه نیز می‌باشد، سیاست اقتصادی کره جنوبی بزرگترین حامی امریکا در مقابل چین و ژاپن است.

در این نوشته سعی بر این است تا جنبش‌های کارگری و دانشجویی کشوری بررسی شود که دنیای سرمایه‌داری آن را به عنوان الگویی برای پیشرفت معرفی می‌کند و بسیاری از کشورهای جهان سوم که در آرزوی رسیدن به آن هستند چه بلاهایی بر سر

کارگران کشورشان نیاوردند. در دهه ۱۹۹۰ کره جنوبی یکی از ده کشور بهره‌ای اقتصادی آسیای جنوبی شرقی معرفی شد و رشد تکنولوژی و آذین‌ها ی چشم پر کن آن برای رژیم‌های کشورهای وابسته به ارزش تبدیل شده بود. هر چند رکود اقتصادی سرمایه داری که در دهه ۱۹۷۰ بوجود آمد و همچنان سیکل ادواری مناطق مختلف جهان را می‌نوردد، کره جنوبی را نیز درگیر کرد. رشد اقتصادی کره جنوبی موجب بوجود آمدن قشر ثروتمند و میلیارد‌های یک درصدی شد که صاحب هواپیماهای خصوصی بودند؛ در عین حال بزرگترین اعتراضات اجتماعی در سالهای دهه ۱۹۷۰ علیه دیکتاتوری رخ داد و فشار زیادی بر رژیم نظامی، در جهت پذیرفتن تغییرات دموکراتیک، تغییر قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری آورد. در دهه بعد و در سال ۱۹۸۷ حدود ۲۵۰۰ تظاهرات کارگری در خیابان‌ها با پرچم‌های در حال اهتزاز قرمز ثبت شده است. جنبش اعتراضی ۱۹۸۷ کره علیه تبعیض طبقاتی بود که بر مزد بگیران کره تحمیل می‌شد. در شرایطی که کارگران کارخانجات صنعتی امریکا ۱۳,۰۹ دلار حقوق دریافت می‌کردند کارگران کره ای تنها ۱/۷ دلار دستمزد می‌گرفتند. مبارزه علیه صندوق بین المللی پول برای مقابله با گرسنگی و قیمت فزاینده اقلام خوراکی همزمان با کشور اندونزی، مبارزه علیه بانک هند برای ممانعت از افزایش بهره از ۹ درصد به یازده درصد، مبارزه برای بهبود شرایط کار کارگران مهاجر، مبارزه علیه ریاضت اقتصادی و اخراج بی رویه کارگران و اعتصابات عمومی در چند سال گذشته، اعتراضات معلمان و بخشهای آموزشی، همه و همه نشان از شکوفا شدن مبارزات اجتماعی و کارگری دارند.

شکل گیری کشور کره جنوبی همانند کشورهای ویتنام، یمن و آلمان که به دو بخش تقسیم شدند، محصول منازعات دو قطب شرق و غرب بود اما زیر سایه حمایت "سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه" به منظور مقابله با کره شمالی، به قطب اقتصادی منطقه تبدیل شد. سه کشور ویتنام، یمن و آلمان در حال حاضر دیگر دو قسمت نیستند اما کره هنوز نتوانسته مرزهای بین کره شمالی و جنوبی را دوباره تسخیر کند. اگر آلمان غربی توانست کل بلوک شرق را از هم بپاشاند اما جنبش کارگری و اجتماعی مترقی کره جنوبی بر خلاف کشورهای کره که به دو قسمت بر اساس منافع بلوک شرق و غرب تقسیم شده بودند خواهان پیوستن به کره شمالی است، البته نه به دلایل اقتصادی بلکه به دلایل اجتماعی و فرهنگی.. باید اشاره کرد که رگه‌هایی از ناسیونالیسم در این جنبش‌ها و خواسته‌ها یشان به چشم می‌خورد اما مبارزه با اشغال نظامی امریکا یکی از دلایل بارز این مبارزه و خواسته است. به این دلیل کره جنوبی مکان مناسبی شده است برای خلق و بوجود آمدن شیوه‌های مبارزاتی نوین جنبش‌های اجتماعی بعد از فروپاشی بلوک شرق به دور از گرایش‌های استالینیستی، مائوئیستی و تروتسکیستی.

تاریخ سیاسی و اجتماعی کره جنوبی^۴

تاریخ سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم کره جنوبی به دو دوره تقسیم می‌شود:

۱- دیکتاتوری‌های نظامی از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۸۷

۲- دوران سیاسی ما بعد مبارزات ۱۹۸۷ دانشجویی.

جمهوری کره یا کره جنوبی^۵ بعد از سال ۱۹۴۸ شکل گرفت. در جنگ بین دو کره، از ژوئن سال ۱۹۵۰ تا ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳، بیش از ۲,۵ میلیون انسان جان خود را از دست دادند. این جنگ از اولین نوع جنگ‌های بین کشورهای از هم جدا شده بود. بعد از انقلاب چین، کره شمالی با حمایت چین با کره جنوبی وارد جنگ شد. در همان زمان بود که هر دو کشور به نوعی به اشغال نظامی چین در آمدند^(۶) و امریکا برای عقب راندن نیروهای کره دو حرکت را آغاز کرد: - به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد و - ناوگان دریایی خود را برای مبارزه با کره شمالی، از ژاپن به سمت کره روانه کرد. در همان زمان کشورهای انگلیس، کانادا، استرالیا و ژاپن

وارد جنگ شدند.^(۷) نیروهای آمریکا از طریق هوایی، دریایی و زمینی توانستند نیروهای کره شمالی را از مناطق جنوبی کره بیرون کنند. هری تورومن رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد برای گرفتن کره جنوبی هر کاری باید انجام داد و در حملات متعدد در این جنگ بیش از ۲۲۰ هزار سرباز آمریکایی کشته شدند.^(۸)

کشور کره جنوبی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۰ تحت سلطه رژیم دیکتاتوری سیانگمن رهی بود.^(۹) سیانگمن هیچ گونه مخالفتی را بر نمی تافت و همه باید از او اطاعت می کردند. فساد و رشوه، ناکارآمدی، زورگویی، بخشی از رهبری نیروی نظامی بود. قانون اساسی کره جنوبی همانند بسیاری از کشورها بسیار دمکراتیک تنظیم شده است اما امکان اجرای آن تا سال ۱۹۸۷ وجود نداشت. در تمامی آن سالها ساختار سیاسی شکننده بود و احزاب سیاسی اگر اجازه فعالیت می یافتند براساس افراد شکل می گرفت و با مرگ افراد، حزب هم از بین می رفت. احزاب سیاسی با سنتی بوجود می آمدند که فرهنگ سیاسی به آنها یاد داده بود که احترام به دولت و خدمت به مردم باید سرلوحه باشد. تمامی پروسه سیاسی توسط نظامیان کنترل می شد. سال ۱۹۶۱ کودتای نظامی پارک چنگ هی جونتاً^{۱۰} کشور را زیر سیطره نظامیان جونتاً قرار داد که تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت.^{۱۱} در جامعه کره عملاً پلیس سیاسی است، پلیس انتخابات را کنترل می کند، اعتراضات اجتماعی را کنترل می کند و تا سال ۱۹۸۷ که جنگ سیاسی در گرفت، تمامی شئون جامعه مدنی را زیر سلطه داشت. در این پروسه بسیاری از نظامیان وارد سیاست شدند اما سیاستمداران جدید به مسائل سیاسی بسیار خشن برخورد می کردند. در این سال بود که سازمان امنیت کره شکل گرفت.^{۱۳} رئیس جمهور پارک توسط رئیس سازمان امنیت در ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ در جلسه ای کشته شد و چوی کی ها^{۱۴} به مدت دو سال رئیس جمهور شد.^{۱۵} در این دوره بود که پلیس مسوولیت امنیت اجتماعی را نیز بر عهده گرفت. پلیس می توانست در مسائل اجتماعی شرکت کند و اگر ضروری بود متهم را دستگیر، شکنجه و زندانی کند.

از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۷ به مدت ۲۵ سال کشور کره زیر سیطره دیکتاتوری نظامی بود. در سال ۱۹۸۷ به واسطه مبارزات دانشجویی و جنبش های اجتماعی، مردم توانستند با برگزاری انتخابات بخشی از خواسته ها یشان را تحمیل و نظامیان را مجبور به کناره گیری نمایند و فضای دمکراتیک برای رسیدن به خواسته ها ی سیاسی و اجتماعی کمی باز شود. در این دوره سیستم لیبرالی حاکم شد.

احزاب سیاسی

قوه مقننه کره از یک مجلس ملی با ۲۳۱ عضو (برای یک دوره شش ساله) تشکیل شده است. قانون اساسی موجود در سال ۱۹۴۸ تدوین و در سال ۱۹۷۲ اصلاحاتی بر آن افزوده شده است. احزاب سیاسی در کره در مجموع از جناح راست مرکز تا الترا راست می باشند. احزاب سیاسی موجود در کره را می توان به دو گروه تقسیم کرد، احزاب ساخته شده توسط دولتهای کودتا. حزب ائتلاف ملی برای استقلال کره^{۱۶} (۱۹۴۶-۱۹۵۱)، حزب لیبرال^{۱۷} (۱۹۴۷-۱۹۵۸)، حزب متحد دمکراتیک. (۱۹۸۰-۱۹۷۳)^{۱۸}، حزب کارگر^{۱۹} نیز در سال ۲۰۰۰ تاسیس شد، این حزب گرایش چپ دارد که اتحادیه های کارگری نیز خود را به آن نزدیک می دانند ولی تاکنون نتوانسته در انتخاباتها شانس داشته باشد.

اولین حزب سیاسی ائتلافی و مستقل از دولت در کره جنوبی " حزب کارگران کره جنوبی "، یک حزب سیاسی کمونیست بود که در سال ۱۹۴۶ در پی ادغام حزب کمونیست کره جنوبی، حزب خلق نیون کره جنوبی و ۴۸ گروه محفلی ایجاد شد. رییس حزب پاک هون-یونگ بود. این حزب در همان سال غیرقانونی شد.^{۲۰} کلیه احزابی که گرایش به کمونیست یا گرایشی به کره شمالی داشته باشند در کره جنوبی ممنوع هستند و آخرین دادگاه که رای به ممنوعیت این احزاب داد در سال ۲۰۱۴ بود.^{۲۱}

احزابی که از اواسط دهه هشتاد در سیاست دخیل بودند عبارتند^{۲۲} از: حزب جمهوری دمکراتیک، حزب دمکراتیک و حزب دمکراتیک عدالت. حزب کارگر دمکراتیک که یک جریان متمایل به جنبش کارگری است که در سال ۲۰۰۰ تاسیس شده است، ریشه این حزب به گرایش ناسیونالیستی برمیگردد و جریانات کارگری هم در آن فعال هستند.^{۲۳} حزب جدید مردم برای اصلاحات^{۲۴} در سال ۲۰۱۲ تشکیل شده است. این حزب برای اصلاح آزادی و صلح بوجود آمده است. ۲۵. حزب مینجو^{۲۶} کره جنوبی^{۲۷}، حزبی است سوسیال لیبرال که در سال ۲۰۱۴ تشکیل شده است و از اتحاد دو حزب سیاسی حزب دمکرات و حزب سیاسی نگاه نو تشکیل شده است. پارک گوین هی^{۲۸} رئیس جمهور حاضر در کره دختر سومین رئیس جمهور کره پارک چونگ هی است.^{۲۹}

وضعیت اقتصادی

بسیاری از روشنفکران طرفدار نظریات توسعه در کشورهای وابسته، امروزه کره جنوبی را آرمان شهر می‌دانند. البته الگوی کره که از طریق حکومت‌های نظامی این پیشرفت را به جامعه تحمیل کرده اند برای طرفداران دخالت نیروهای نظامی در اقتصاد نیز بهترین الگو است، اقتصاد کره معروف به اقتصاد سی خانواده یا چبول^{۳۰} است هرچند که در کره قانون ضد فساد تصویب شده و کشور براساس تولید کار می‌کرد (نه بر اساس دلالتی بدون برنامه و حیره ای امروز در ایران). این عده شاید صاحب کلیه سهام مالی نباشند ولی به نوعی حق امتیاز در تمام بخش‌های اقتصادی را دارند که به کونگومریت یا کمپانی معروفند. کونگومریت‌ها^{۳۱} (شرکت‌های چندملیتی خانواده‌ها ی چبول) در قرن نوزده با همکاری کمپانی نفت استاندارد ۱۳ بخش اقتصادی شامل ۳۱۸ رشته اقتصادی را کنترل می‌کردند و هنوز هم در جامعه سنتی کره نقش بازی می‌کنند.^{۳۲} هم اکنون این خانواده‌ها صاحب ۱۲ درصد سهام، شانزده موسسه انتشاراتی - رسانه ای و سهامدار اصلی ۴۲ تا از شرکت‌های زیر مجموعه شرکت‌های هیوندایی، سامسونگ ۴۲ و ال جی ۶۲ هستند و دو سوم صادرات جنوب کره را این خانواده‌ها در دست دارند.^{۳۳} در دوران ریاست جمهوری پارک این خانواده‌ها از دادن مالیات بر درآمد و مالیات شرکت و صادرات معاف شدند^{۳۴} با تمامی فشارهای صندوق بین المللی پول در دهه نود تاکنون، دولت موفق نشده است هیچ فعالیت اقتصادی را از دست این گروه بیرون بیاورد. به طور روزانه اخبار فساد که از سیاسیون کره چاپ می‌شود مربوط به این خانواده‌ها است اما تا به حال کسی از آنها دستگیر نشده است. در یک ماه گذشته اعتراضات کارگری و اجتماعی که توانسته بیش از یک میلیون نفر را به خیابان بیاورد، در اعتراض به فساد در شرکت‌های وابسته به خانواده‌ها ی چبول است. بیش از شصت شرکت در این افتضاح اقتصادی نقش دارند و نیروهای کارگری خواستار استعفای رئیس جمهور هستند.^{۳۵}

کره کشوری که در دهه پنجاه سده گذشته میلادی یک جامعه سنتی بود و ۸۰ درصد مردم در بخش کشاورزی و ماهیگیری مشغول به کار بودند، در سال ۱۹۹۰ تنها ۴ درصد جمعیت آن در بخش کشاورزی و ماهیگیری مشغول به کار بودند. در سال ۱۹۴۵ حدود ۴ درصد نیروی کار در صنایع سبک و سنگین و ۱۶ درصد در خدمات مولد مشغول به کار بوده اند، این آمار در سال ۱۹۹۰ به ۲۷ درصد در بخش صنایع سبک و سنگین و ۵۵ درصد در خدمات رسید.^{۳۶} در بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۰ اقتصاد کره تغییر صنعتی عظیمی را از سر گذراند و سالیانه ده درصد رشد اقتصادی داشت و از کشوری کشاورزی- ماهیگیری به کشوری صنعتی تبدیل شد. درآمد سرانه هر فرد از ۱۵۰۰ دلار در ۱۹۶۰ به ۶۵۰۰ دلار در سال ۱۹۸۰ رسید. در سال ۱۹۸۰ حدود ۷۴ درصد مردم شهرنشین شدند. فرهنگ سنتی کنفوسیوسی دیگر جوابگوی جامعه مدرن نبود. رشد سیستم آموزشی تاثیر خود را در فرهنگ سیاسی جامعه نشان داد. جامعه کره در سال ۱۹۴۵ حدود ۱,۵ میلیون تحصیل کرده داشت. در سال ۱۹۸۰ این رقم به بیش از ۵,۷ میلیون نفر رسید. در سال ۱۹۸۰ بیش از نود درصد مردم جامعه کره باسواد بودند.

از دهه هشتاد با شکل گیری جنبش‌های مترقی و فعالیت و مبارزه دانشجویان به تدریج خودکامگی رو به افول نهاده، فرهنگ سیاسی و دموکراتیک در بین نیروهای سیاسی و مبارز توسعه یافته و کار جمعی رشد کرده است. در بررسی اجتماعی در باره آگاهی سیاسی مردم، آمار دهه هشتاد نشان می‌دهد که ۲۳،۷ درصد مردم کره آگاهی سیاسی دارند. این آمار در مقایسه با آمریکا ۱۳ درصد، ایتالیا ۳۳ درصد و مکزیک ۳۵ درصد در جایگاه خوبی قرار دارد. در دهه نود صادرات کره ۲۷،۲ درصد رشد کرد در حالی که رشد سایر کشورهای صنعتی از ۶،۶ درصد به ۴ درصد رسیده بود، یعنی کشور کره ۱۵ درصد رشد صادرات داشته است. البته دولت کره از سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (آو ای سی دی) در بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵ به میزان ۱۲،۷ بیلیون دلار و در سال ۲۰۰۸ ۳۸،۵ میلیارد دلار از آمریکا کمک مالی گرفته است.^{۳۷}

کره جنوبی کشوری است که می‌توان اقتصاد آن را به عنوان یک اقتصاد مطرح و ساختارمند در سیستم سرمایه‌داری شرق آسیا نام برد، اما سهم کارگران در آن ناچیز است و آمریکا با بیش از چهل پایگاه نظامی عملاً در آن حکمرانی می‌کند. اقتصاد آن در حال واگذاری به سرمایه‌های خارجی است. ۷۰ درصد دارایی چهارمین شرکت ماشین سازی آن، سسنگ یانگ موتور (Ssangyong Motor)، متعلق به شرکت هندی مهین درا (Mahindra) است و کمتر کارخانه ای را می‌توان یافت که نیروی امنیت ویژه نداشته باشد. در تحول اقتصاد صنعتی کره تمامی بخش‌های اقتصادی به صورت متوازن رشد نکرده است، بخش‌های غیر رسمی شهری که بدون مجوز فعالیت می‌کنند و با بازارهای رشوه خوار سنتی فعالیت می‌کنند و محصولات خود را به فروش می‌رسانند، به اندازه ی سایر بخش‌ها رشد نکرده است. اما به جرات می‌توان گفت مهم ترین بخش اقتصاد که رشد کافی و قابل اطمینانی نداشته نیروی کار است. صاحبان بنگاه‌های اقتصادی از سنت و استبداد استفاد کرده بودند و تا دهه نود از عقب افتادگی ساختار طبقاتی سود برده و اجازه ندادند که بیمه بیکاری، قوانین کارگری رشد کند و دستمزدها را بسیار پایین نگه داشتند. تنها تئوری اقتصادی که در جامعه پیش می‌رفت سود بیشتر بود.

اما بحران‌های سرمایه‌داری کره را نیز در بر گرفت.^{۳۸} شکست اقتصادی بزرگ در کشورهایی با اقتصاد همراه با کاپیتالیسم در شرق آسیا «بیرها و اژدهاها».^{۱۲} برای سال‌های متمادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همواره می‌گفتند که شرق آسیا دلیل موفقیت فرمول‌های آنان برای رشد اقتصادی است: سطح پایین دستمزد (که با محدود کردن آزادی اتحادیه‌ها امکان پذیر شده است)، سطح بالای سرمایه گذاری خارجی، سطح پایین مالیات و حداقل مصرف در خدمات عمومی.

بانک جهانی گزارشی را در ۱۹۹۳ در باره توسعه کشورهای نظیر کره جنوبی، تایلند، فیلیپین، مالزی و تایوان منتشر کرد که تیترا آن «معجزه آسیا» بود. نخبگان بین‌المللی می‌گفتند مدل اقتصادی ای که در شرق آسیا به اجرا در آمد به عنوان داروی شفابخشی بود که تمام جهان فقیر را آشفته کرد.

در جولای ۱۹۹۷ بحران هنگامی آغاز شد که سرمایه گذاران جهان (مردمی که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از آنها به عنوان کلیدهای خوشبختی تجلیل می‌کنند) از سرمایه گذاری در تایلند سرباز زدند. نارضایتی در بخش‌های مختلف کشور رشد کرد. به خصوص وام‌های خارجی که به وسیله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تشویق شده بود. موسسات سرمایه گذار و بانک‌ها شروع به خروج سرمایه‌های خود کردند. در یک شب پول رایج تایلند (bapt) سقوط کرد. اقتصاد دانان پس از آن به سرمایه گذاران این قوت قلب را دادند که اندونزی به چنین سقوطی دچار نخواهد شد و آنها باید صبر کنند. اما پس از آن، سقوط اندونزی باعث شد که ۲۶۰ عدد از ۲۸۲ کمپانی در بازار سهام کشور تجزیه شوند.

سقوط اقتصاد کره جنوبی چند هفته بعد آغاز شد و در اوج آن دهها هزار کارگر کره ای روزانه دست از کار کشیدند، سیصد هزار نفر در هر ماه. هم چنان که بحران سراسر منطقه را در می‌نوردید. ۶۰۰ بیلیون دلار در موازنه بازار سهام آسیا از میان رفت. در فاصله چند ماهه، معجزه به کابوس تبدیل شد. طبق معمول کشورهای وابسته به سرمایه‌های خارجی با مشکل سرنگونی مواجه شدند. کشورهای اندونزی، کره، مالزی، تایلند و فیلیپین یک سال بعد از آنکه درآمد ۲۰ میلیارد دلاری را تجربه کردند، در ۱۹۹۶، ۹۵ میلیارد دلار از دست دادند. در نتیجه در طی یک سال گردش ۱۱۵ میلیارد دلار را از سرگذراندند. ناگهان مدل جهانی‌سازی زیر و رو شد. به همان سادگی که سرمایه خارجی توان تقویت اقتصادها را دارد، به همان ترتیب می‌تواند آنها را تخریب کند و همواره در چنین وضعیتی این مردم فقیر هستند که بیشترین آسیب را می‌بینند. در یک دوره ۵ ماهه بین آگوست و دسامبر ۱۹۹۷ دستمزد در کره جنوبی به نصف تقلیل یافت و این برای کسانی بود که هنوز آنقدر خوشبخت بودند که مشغول کار باشند. این درست در زمانی بود که قیمت کار یک کارگر کره ای در یک کارخانه ۱,۷۵ دلار بود و مشابه همان کار در امریکا ۱۳,۰۹ دلار در ساعت بود. ساعت کار هفتگی کارگران کره ۵۷ ساعت در هفته بود.^{۳۹}

در دسامبر ۱۹۹۹ دو سال بعد از بحران اقتصادی آسیای جنوب شرقی، زمانی که دولت کره جنوبی بسته ۵۸,۴ بیلیونی کمک اقتصادی صندوق بین‌المللی پول را دریافت کرد، اعلام نمود بحران پولی حل شده است.^{۴۰} دولت کره جنوبی برای متعارف کردن بحران پولی دست به یک سری تعدیل‌های اقتصادی و نئولیبرالی زد، از جمله برداشتن امنیت شغلی، قانونی کردن مشاغل موقت و بدون مزایا. نمایندگان سرمایه خوشحال و جریان‌های مدافع حقوق کارگر و سندیکا بسیار نگران و خشمگین بودند. اولین اقدام حذف مزد رسمی یا استاندارد، شرایط کار، شغل و درآمد و مزایایی رسمی استاندارد بود. بازار کار تحت شرایط غیر رسمی (غیراستاندارد) پی‌یر کریس)^{۴۱} تغییر کرد. حقوق کم، بدون امنیت شغلی، نبود حمایت‌ها ی اجتماعی و قانونی و تبعیض آمیز تر شدن کار، ساختار زندگی و کار کارگران کره قرن بیست و یک را رقم زد، به رغم آنکه دولت کره مقاله نامه‌ها ی بین‌المللی سازمان جهانی کار را امضا کرده بود، مانند مقاله نامه‌ها ی حقوق برابر^{۴۲}، "عدم تبعیض"^{۱۱۱}، حداقل سن کار^{۱۳۸} و کار کودکان^{۱۸۲} " اولین وظیفه نهادهای کارفرمایی این شد که سندیکاهای کارگری را ایزوله کنند، این مساله ابتدا بیشتر در بخش کارگران نظافتچی، کمک معلمان، کارگران خدماتی مکان‌ها ی بازی مانند گلف رخ داد. بیشترین کارگران این بخشها را زنان تشکیل می دهند. این روند سپس به کارخانجات و کارکنان خدماتی دولتی کشیده شد. پیش از ۱۹۹۷ زمانی که کارخانه ای بسته و کارگران آن واحد بیکار می‌شد، اداره کار کاری مشابه برای آنان پیدا می‌کرد ولی بعد از ۱۹۹۷، عملا شرکتهای پیمان کاری با بستن قراردادهای موقت نقش کارفرما را بازی کردند و این بار را از دوش اداره کار برداشتند. این قراردادهای موقت عملا نه کار دائمی را به همراه می‌آورد و نه امنیت شغلی داشت و نه حقوق اش ثابت بود. کار موقت یعنی نیمه وقت، کسی که کمتر از ۳۶ کار کند نیمه وقت به حساب می‌آید. کمیته مخصوصی متشکل از نمایندگان کارگران، دولت و کارفرمایان برای کارگران غیررسمی تشکیل شد^{۴۲} اما تنها نامش سه جانبه بود. وزارت کار با بوجود آوردن ۳۲ آژانس کاریابی برای کارگران در اصل توانست شرایط کار منعطف را برای کارگران بالا ببرد که به معنی مقاطعه کاری درون محل کار بود.^{۴۳}

وضعیت طبقه کارگر

مفهوم طبقه کارگر از نگاه ا پی تامپسون در کتاب طبقه کارگر انگلیس چنین آمده است: " شکل‌گیری طبقه کارگر در پروسه‌ای منفعلانه نیست بلکه به وسیله ساختار شرایطی شکل می‌گیرد که همانا محصول عمل فعالانه طبقه است. تعریف این عمل در زندگی انسان‌هایی است که تاریخ‌شان را می‌سازند. این مستقل‌ترین تعریف است زیرا در پروسه تولید و خارج از اراده افراد شکل می

گیرد، حال این که چگونه این شرایط مادی توسط انسان‌ها درک شود و در مقابل‌اش چه عکس‌العملی صورت گیرد تحت تاثیر فاکتور فرهنگی، شکل سنت، سیستم ارزشی و فرم موسسات است.^{۴۴}

در دو دهه‌ی آخ‌قرن گذشته (۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) شاهد بوجود آمدن پدیده‌ی جدیدی در سرمایه‌گذاری مالی کشورهای پیروز جنگ جهانی دوم هستیم که با دوره‌ی قبل متفاوت است، اما از جهاتی با دوران اولیه‌ی سرمایه‌داری مشابهت دارد.^{۴۴}

مبارزات جنبش کارگری کره جنوبی بر شرایط اقتصادی و سیاسی منطقه تاثیر زیادی دارد و این کشور از لحاظ سوق‌الجیشی مکانی است که شرکت‌های چند ملیتی و بازار سهام قمارخانه‌ای "سورس" و یک درصدی‌ها مراقب هستند که مبادا سرمایه‌شان به خطر بیفتد، یکی از چالش‌های اساسی سیستم سرمایه در کره جنوبی جنبش کارگری و سایر جنبش‌های مترقی این کشور است.

بعد از آزادی از سلطه امپراطوری ژاپن، سرمایه‌داری در کارخانجات کره نسلی از کارگران را تربیت کرد که در زیر یوغ گرایش راست سیاسی و میلیتاریزم امریکایی مجبور شدند در نبردی جدید یک جنبش متفاوت بسازند. در ایندوران نه فعالیت سیاسی آزاد بود و نه شرایط به چالش کشیدن حکومت وجود داشت، هر مخالفتی با مشت آهنین جواب می‌گرفت. تا سال ۱۹۸۰ کارگران کارخانه را با نام "پسر کارخانه"^{۴۵} یا "دختر کارخانه"^{۴۶} می‌نامیدند، حتی آنها را براساس شغل‌شان نیز خطاب نمی‌کردند. کارگر از لحاظ طبقاتی هویتی نداشت و او را کارخانه‌ای صدا می‌زدند. این نسل از جامعه بر این بود که تحت هر شرایطی از زیر بار این وضعیت خارج شود.^{۴۷} و شکل‌گیری هویت طبقه کارگر کره جنوبی از دهه هشتاد میلادی شروع شده و در دهه نود قوام می‌یابد. این جنبش در دهه نود با آگاهی طبقاتی توانست با فعالیت کارگری در ساختار اجتماعی تاثیر گذار باشد و شروعی باشد برای محو و نابودی تبعیضات اجتماعی. آن چیزی که جنبش کارگری را بسیار فعال کرد نقش زنانی بود که نه برای بهتر شدن شرایط کار خود بلکه برای به دست آوردن احترام انسانی، برابری و عدالت مبارزه می‌کردند. هوگن کو در کتاب "کارگران کره" می‌گوید:

"طبقه کارگر کره جنوبی هویت جمعی و آگاهی‌اش را نه در مبارزات برای شکل‌گیری اتحادیه‌های صنفی بلکه در زبانی دریافت که از آن استفاده می‌کرد، یعنی فرهنگ فعالیتی که از آن طریق با هم ارتباط می‌گیرند." ^{۴۹} نقد هوگن کو به ساختار جنبش کارگری بر این اساس بنیاد گذاشته شده است که طبقه کارگر کره از شروع دهه نود به دلیل مارک کمونیستی خوردن از تشکیل حزب‌اش محروم بوده است. (ص ۱۲)

جنبش کارگری کره در منطقه آسیا مبارزه اقتصادی متفاوتی را از سر می‌گذراند. اولاً سیستم اقتصادی کره برخلاف تئوری‌های جامعه‌شناسی که می‌گویند رشد اقتصادی، توسعه سیاسی را با خود می‌آورد و رشد سیاسی لزوماً در شکل‌دهی فضایی سیاسی نقش دارد، رشد کرد. و شیوه استبداد آسیایی در کشور ژاپن را که مبنی بر اطاعت و سکوت است، با خود یدک می‌کشید. دلیل اصلی هم، فرمانبری حکومتیان از شیوه‌های غربی بود که دهه‌ها است مواظب هستند که مبادا رشد سیاسی به تغییرات سوسیالیستی بیانجامد. کنترل اقتصاد در دست خانواده‌های چبولی و شرکت‌های چندملیتی زیر فرمان نظامیان امریکا فضا را بر مردم هر روز تنگتر کرده است. این فضا منجر به شرایطی شد که جنبش سیاسی از دل دانشگاه بیرون آمد و این دانشجویان در پروسه زندگی اجتماعی‌شان به محیط‌های کار رفتند که وضعیت اقتصادی مناسبی را برای آنها نوید نمی‌داد. شرایط بد اقتصادی آنها را مجبور کرد که به مبارزات اقتصادی کشیده شوند که در عین حال این مبارزات سیاسی نیز هست. بخشی مهمی از این کارگران زنان هستند که هم با کارفرمایان و هم با فرهنگ مردسالاری مبارزه می‌کنند و شرایط موجود را به چالش می‌کشند. این جوانان در جهت تغییر فضای سیاسی جامعه مبارزه می‌کنند.

کارگران مهاجر کره جنوبی

وضعیت وخیم و اسفناک کارگران مهاجر در کره جنوبی همواره مورد انتقاد گروه‌ها و فعالان حقوق بشری بوده است. با توجه به آمار حضور حدود ۵۰۰ هزار نفری کارگران مهاجر در این کشور، تاکنون ساز و کار مناسبی جهت احقاق حقوق این افراد و رسیدگی به نقض گسترده حقوق آنان توسط کارفرمایان انجام نشده است.

در برخی موارد، دولت کره جنوبی نیز با کارفرمایان در نقض حقوق این افراد همراه می‌شود. عدم تدوین ساز و کار مناسب حقوقی، نظارت ضعیف بر کارفرمایان، عدم تدوین قوانین کار مؤثر، بازداشت‌های گسترده و خودسرانه به همراه برخوردهای ناشایست از جمله موارد نقض حقوق این افراد توسط دولت کره جنوبی است. در همین راستا، عفو بین‌الملل با انتشار گزارشی در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۴ از سوءاستفاده‌های گسترده نسبت به کارگران مهاجر در صنعت کشاورزی کره جنوبی پرده برداشته و تاکید کرده که کره جنوبی می‌باید به این بهره‌کشی گسترده و کار اجباری کارگران در صنعت کشاورزی خود پایان دهد.^{۵۰} این گزارش که تحت عنوان «برداشت محصول تلخ» منتشر گردید، چهره واقعی «سیستم اجازه استخدام» (سازوکار به اصطلاح بی‌طرفی که رابط بین کارفرمایان و کارگران مهاجر است) کره جنوبی را جهت مشارکت مستقیم در استثمار کارگران مهاجر خارجی نشان داد.

بر اساس آمارهای رسمی حدود ۲۰ هزار کارگر مهاجر خارجی در مزارع کشاورزی کره جنوبی مشغول به کار هستند که بسیاری از آن‌ها اهل کامبوج، نپال و ویتنام بوده و دلیل اصلی مهاجرت این افراد به کره کار در مزارع این کشورها با شرایط بسیار بد، فقر و بدهی‌های سنگین آنان می‌باشد.

تشکل‌های کارگری

طبقه کارگر کره جنوبی نهادهای صنفی دولتی یا به عبارتی ساخته شده توسط نهادهای امریکایی با نام فدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره (Federation of Korean Trade Unions) را به عنوان سازمان و نماینده رسمی خود دارد. این نهاد و زیر مجموعه اش بسیار محافظه کار و مردانه بود. این فدراسیون در سال ۱۹۴۸ تاسیس شده و در اصل هدفش منزوی کردن نیروهای چپ در نهادهای کارگری بود. بعد از قتل عام جنبش اجتماعی گوانجو که در اساس علیه سیاست رئیس جمهور چان دوها بود و^{۵۱} دانشجویان بسیاری در آن کشته شدند،^{۵۲} جنبش دانشجویی اعتلا یافت و در سی دانشگاه فعالیت خود را آغاز کرد. دانشجویان بعد از فارغ التحصیل شدن به محیط‌های کارگری می‌رفتند. این دانشجویان با تجربیاتی که در جنبش دانشجویی کسب کرده بودند، توانستند جنبش کارگری را سازماندهی کنند و به این ترتیب محیط‌های کارگری بسیار فعال شد. بعد از اعتراضات اجتماعی دهه هشتاد، صدها هزار کارگر جذب جنبش کارگری شدند. گرچه جنبش سیاسی کره جنوبی بسیار جسور و بی‌باک (میلیتانت) بود اما در دهه هشتاد و نود میلادی از لحاظ خواسته‌های سیاسی تصمیم‌گیری میانه‌روانه داشتند یعنی سیاست شان در جهت چپ با تغییر بنیادی جامعه نبود و دلیل آن هم کمونیست ستیزی در کره جنوبی است، داشتن ایده کمونیستی جرم شناخته می‌شود. این جنبش مدنی و کارگری توانست ایده تشکل شورایی را پیش ببرد و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری را در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۵ تاسیس کند، جنبش کارگری مستقلی که بر اساس کلیه مدارک موجود نه‌گرایشی به جریان‌ات پرو مسکو داشته و نه پرو چین و بر همین اساس هم مورد استقبال جنبش چپ واقعا موجود جهانی قرار نگرفت. این جنبش بر خلاف دیگر جنبش‌های چپ نمایندگانی ندارد که خود را رهبر خطاب کنند و خودشان را هم سطح رهبران سیاسی پارلمانی قرار دهند و مورد ستایش دیگران قرار بگیرند. این جنبش ذاتا طبقاتی است و بالطبع در روند مبارزه خودش را صیقل می‌دهد و به رهایی خود نیز می‌انجامد. البته ناسیونالیسم شرقی و روحیه محافظ کاری ژاپنی نیز در این جامعه بی‌تاثیر نبوده است، اکثر روشنفکران غربی بدون شناخت فرهنگ و سیاست آن جامعه، تنها به خاطر روحیه بی‌باکی جنبش کارگری کره جنوبی، آن را ستایش می‌کنند.

در ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷ زمانی که دولت انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد در عرض دو هفته یک انفجار سیاسی- اجتماعی و تظاهراتها و اعتصابات کارگری در بخش‌های مختلف صنعتی بوجود آمد. دلیل هم این بود که دولت کیم یونگ سم در شرایط بد اقتصادی تصمیم گرفته بود برای بهبود وضعیت اقتصادی نهادهای اقتصادی چندفامیلی یا چپول^{۵۳} را نشانه گیرد. آن هم در شرایطی که بسیاری از شرکت‌های متوسط و کوچک اقتصادی در حال ورشکستگی بودند و دولت کیم یونگ سم در زمانی که که صادرات بسیار کم شده بود، قانون واردات و صادرات را تغییر داد. قانون کار جدید امنیت شغلی بخش متوسط جامعه را از بین می برد برای همین منظور اقبال دیگر جامعه نیز به اعتراضات کارگری ملحق شدند. در همان شرایط پلیس کلیه رهبران شورای فدراسیون کارگران کره را که در یک جا جمع شده بودند، دستگیر کرد.

اعتصابات کارگری در سه مقطع شکل گرفت که در مجموع بیست روز طول کشید. در طول این بیست روز بیش از چهار صد هزار نفر از کارگران پانصدو بیست و هشت اتحادیه بیش از یک بار اعتصاب کرده بودند. در بیست و دو کشور از این اعتراضات حمایت شد.^{۵۴} برای مقابله با این اعتراضات، موج دستگیری فعالان به راه افتاد. این دستگیریها به اعتصابات بیشتری در مناطق صنعتی السون^{۵۵} دامن زد، سپس به مناطق دیگر صنعتی مانند پوسان، چونگ وانگ و مسان^{۵۶} و کارخانه‌های دی وو، هیوندا، کیا، سامسونگو کونگلمورت کشیده شد. شرکت‌های اتوبوس رانی و رانندگان تاکسی به این اعتصاب پیوستند. ۲۰ هزار کارگر معدن به این اعتصاب پیوستند. این اعتصابات به درگیری با پلیس منجر شد و در بسیاری از موارد اعتصاب کنندگان دفاتر مدیریت و اداره پلیس را نیز اشغال می کردند. در عرض دو هفته ۱،۲ میلیون کارگر یعنی یک سوم کارگران کره به اعتصاب پیوستند. ۲۷۶ اعتصاب صورت گرفت. تا پایان سال ۱۹۸۸ بیش از ۳۴۰۰ اتحادیه مستقل شکل گرفت که هشت تشکیل مستقل در شرکت ماشین سازی هیوندا بود. در حومه شهر سئول ۴۰ هزار کارگر دست به تظاهرات زدند که زمانیکه به استادیوم سئول رسیدند ۴۵۰۰ پلیس با آنها درگیر شدند. اعتصاب کارگران ماشین سازی هیوندا به مدت ۱۲۴ روز طول کشید و بیست هزار کارگر در آن شرکت داشتند.^{۵۷} در اعتراض کارگران هیوندا ده هزار نیروی پلیس ویژه به میدان آمدند.^{۵۸} در مقابل سیاست‌های اتحادیه‌های سنتی (اف کی تی سی یو) جنبش کارگری شرایط را برای بوجود آمدن تشکلهای مستقل در درون محیطهای کار مناسب دید. در سال ۱۹۸۷ با آنکه دولت با اعتراض کنندگان برای به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل توافق کرده بود اما این تشکلهای غیرقانونی دانست و فعالین کارگری دریافتند علیه سرکوب خشن دولت در شرکت‌های مختلف صنعتی مثل هیوندا، باید باید فعالیتها را در رشته‌های مختلف صنعتی مانند پتروشیمی، انرژی، تکنولوژی پیش برد. رهبری "غیرقانونی" دریافت برای پیش برد کارشان نیاز به یک شورای رهبری دارند و به همین منظور "شورای ملی اتحادیه‌های دموکراتیک" را براساس تقسیمات منطقه ای سازماندهی کردند: فدراسیون اتحادیه‌های کره یا اف ک تی یو.^{۵۹}

کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره (شورای ملی اتحادیه‌های کارگری)

این کنفدراسیون شروع حرکت خود را در نوامبر ۱۹۷۰ یعنی زمان اعتراض کارگران زن به استثمار صنعتی آغاز کردند.^{۶۰} اما تاسیس این نهاد همزمان است با اعتراض عظیم کارگری سال ۱۹۸۷ و شروع فعالیت شان از سال ۱۹۸۹ و در اعتراض به تغییر قانون کار است. این شورا در تمامی رشته‌های کارگری عضو دارد. ۴۰،۶ درصد (۶۸۲۴۱۸) کل کارگران کره عضو این فدراسیون هستند که ۱۲۰۰ شعبه را شامل می شود. بزرگترین اعتراض این شورا در سال ۲۰۰۳ به خاطر عدم ورود گوشت گاو امریکا به کره بود که موفقیت آمیز بود و تا سال ۲۰۱۰ این ممنوعیت برقرار باقی ماند و سالیانه ۵۰۴ میلیون ضرر به امریکا وارد کرد.^{۶۱} بعد از ملحق شدن کره به سازمان تجارت جهانی این ممنوعیت برداشته شد. بزرگترین خصلت این شورا رزمندگی و بی باکی اش برای

رسیدن به هدفش است، این شورا از اشغال محیط کار تا اعتصاب غذا و درگیری با پلیس هیچ واکنشی ندارد و بسیاری از رهبران آن به طور مرتب در زندان هستند. در بسیاری از موارد برای از بین بردن ماشین پلیس جریمه می‌شوند.

جنبش دانشجویی کره جنوبی^{۶۲}

اولین جرقه‌های اعتراضی جنبش دانشجویی کره جنوبی از سالهای ۱۹۷۰ شروع می‌شود، اکثر اعتراضات دانشجویی برای فشار آوردن به دولت نظامی برای پذیرفتن تغییرات دموکراتیک، تغییر قانون اساسی و انتخابات آزاد بود. اولین حرکت جنبش دانشجویی معروف به مینجونگ^{۶۳} یا جنبش مردم است که به جنبش برای دموکراسی نیز گفته می‌شود. این جنبش با استفاده از کلمه "مردم" در اساس جنبش مبارزه برای آزادی‌های اجتماعی-سیاسی، حمایت از افشار به حاشیه رانده شده جامعه و آزادی مذهبی شروع شد. این جنبش ریشه در مبارزات دهقانی معروف به سیل‌ها^{۶۴} یا سیاست واقعی قرار داشت و علیه سیستم اقتصادی نا کارآمد و فاسد رئیس‌جمهور پارک چونگ هی^{۶۵} (۱۹۷۱-۱۹۷۹) بود. اعتراضات دانشجویی دیگری نیز در آگوست ۱۹۸۰ در دفاع از ۲۰۰ کارگر زن شرکت وای اچ کمپانی صورت گرفت.^{۶۶} این کارگران زن در اعتراض به بسته شدن کمپانی در اعتصاب غذا بودند که با یورش پلیس، زنان را از محوطه بیرون راندند و یک زن در این حمله کشته شد.^{۶۷}

از تاریخ ۱۸ مه تا ۲۷ مه ۱۹۸۰^{۶۸} در جنوب کره در ایالت گوانج مبارزات دانشجویی مردمی دیگری در اعتراض به بسته شدن دانشگاه شکل گرفت،^{۶۹} این اعتراض دانشجویی در ۱۸ مه ۱۹۸۰ زمانی شکل گرفت که ۲۰۰ دانشجو به مخالفت با بسته شدن دانشگاه ملی چونای در مقابل در ورودی دانشگاه بست نشستند.^{۷۰} تا عصر دو هزار نفر به دانشجویان پیوستند و ارتش لشکر ۳۳ و ۳۵ خود را به آنجا اعزام کرد.^{۷۱} در هشت روز اعتراضات ۶۰۶ نفر کشته شدند، ۱۸ هزار پلیس و ۳۰۰۰ نیروی نظامی، شهری را با جمعیت ۷۰۰ هزار نفر اشغال کردند.^{۷۲} بیش از ۳۵۰ خودروی نظامی به دست مردم افتاد. در این اعتراض بیش از صد هزار نفر شرکت داشتند. دولت امریکا به عنوان میانجی ابتدا برای حل مسئله وارد شد. مذاکرات امریکایی‌ها با نماینده دانشجویان یون سنگ وانگ^{۷۳} به نتیجه نرسید و وانگ گفت که تا آخرین نفر مبارزه مان را ادامه می‌دهیم. (وانگ در ۲۶ مه توسط ارتش کشته شد) سفارت امریکا وقتی دید اوضاع در حال خراب شدن است، مستقیماً دخالت کرد. در حوادث ایالت گوانج کی، دولت امریکا رسماً رئیس حکومت را مجبور به استعفا کرد.^{۷۴} و فرمانده ارتش چون دووها ون ریاست کشور را به عهده گرفت.^{۷۵} ایشان به دلیل عدم انتخاب تا سال ۱۹۸۸ کنترل دولت را در دست داشت و در دادگاهی در سال ۱۹۹۶ به اعدام محکوم شد ولی شامل عفو رئیس‌جمهور شد.^{۷۶}

جنبش دیگری که از جنبش دانشجویی بیرون آمد معروف به جنبش ۳۸۶ است^{۷۷} این جنبش در اصل به کسانی گفته می‌شد که در دهه سوم زندگی خود بودند و به دانشگاه رفته و از دانشگاه فارغ التحصیل شده بودند. این جنبش نقش اساسی در مبارزات خود در سقوط دولت چون دوها ون داشت،^{۷۸} دولتی که در کشتار دانشجویان ایالت گوانج کی نقش داشت.^{۷۹} جنبش دانشجویی در مخالفت با رژیم نظامی در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷ با ظهور جنبش مردمی توانست حکومت برآمده از کودتا را به پایان برساند و با یک انتخابات دموکراتیک در سیستم سیاسی تغییر بوجود آورد.^{۸۰} نهمین رئیس‌جمهور کره روه موها یین^{۸۱} که از سال (۲۰۰۳-۲۰۰۸) ریاست کشور را بر عهده داشت محصول جنبش دانشجویی بود. فعالیت‌های دانشجویی او در اعتراضات ضد امریکایی بسیار برجسته بوده است تا جایی که کاندالینا رایس و رابرت گیت در خاطراتشان او را یک ضد امریکایی می‌نامند. او در دوران ریاست جمهوری اش به مسائل حقوق بشر می‌پردازد و آزادی‌های رسانه‌ای بهترین موقعیت را داشته اند و فعالیت‌های کارگری آزادانه تر

بوده است. بعد از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ در انتخابات شکست خورد و در سال ۲۰۰۹ خودکشی کرد^{۸۲} دهمین رئیس جمهور کره لی می‌یانگ بک ۸۳ نیز از فعالین جنبش دانشجویی بوده است. یکی از فعالیتهای او محکوم کردن دولت ژاپن برای گرفتن برده جنسی زنان کره (معروف به زنان آسایش)^{۸۴} در زمان جنگ بوده است.

از سال ۱۹۸۷ جنبش دانشجویی در دو سطح فعالیت اش را آغاز کرد. فعالیت سیاسی (مردمی)^{۸۵} و فعالیتهای کارگری در سطح کارخانه. در دوران ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ جنبش دانشجویی توانست حرکت بزرگی بوجود آورد که معروف به "اعتراض عظیم" است.^{۸۶} ریاست جمهوری این دوره به خاطر فعالیتهای ضد ژاپنی اش بسیار معروف است ولی تمامی سیاستهای اقتصادی امریکا را پیاده کرده و یکی از روسای جمهور کره است که در بسیاری از کشورهای منطقه سرمایه گذاری دارد.^{۸۷}

رشد اقتصادی و شکاف طبقاتی و مبارزات اقتصادی کارگران و دانشجویان دولت کره را مجبور کرد به رفرمهای سیاسی تن دهد. در طول ده سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ جنبش کارگری - دانشجویی توانست بزرگترین تشکل مستقل کارگری را بوجود آورد و در سال ۱۹۹۷ توانست ۸۱٫۱ درصد کل کارگران متشکل را در فدراسیون شورایی^{۸۸} جمع کند.^{۸۹} متأسفانه بخش عمده تحلیل‌های دانشگاهی دانشجویان کره ای در خارج از کره به نظریه توسعه می‌پردازند و بخش بسیار کوچک آن به جنبش کارگری می‌پردازند. در مجموع مبارزات دانشجویی بر چهار محور حرکت کرده است: ۱- تاکید بر افزایش قدرت کشاورزان و کارگران ۲- تاکید بر اخراج امریکا از جنوب ۳- تاکید بر وحدت دو کره ۴- اصلاح سیستم سرمایه‌داری و حل معضلات اقتصادی.

سازماندهی کارگری

در کره جنوبی نمی‌توان به امر سازماندهی اشاره کرد و نقش قوانین کره را نادیده گرفت، زیرا این قوانین بسیار سرکوبگرانه و ضد کارگری هستند و دست نیروهای سرکوبگر را برای هرگونه سرکوب فعالین اجتماعی و کارگری باز گذاشته است - این قوانین عبارتند از: قانون وضعیت ویژه، قانون امنیت ملی، استفاده از ارتش و نهادهای امنیتی.^{۹۰}

ریشه و بنیان سازماندهی کارگری در کره جنوبی را باید در جنبش دانشجویی جستجو کرد، تاریخ شکل‌گیری این سازماندهی اولین بار در یک مارس ۱۹۱۹ صورت گرفت. این سازماندهی توسط ۳۳ دانشجو برای استقلال از ژاپن انجام شد و در ۱۵۰۰ تظاهرات حدود ۲ میلیون نفر شرکت کردند و سرانجام این اعتراضات به استقلال کره از ژاپن منجر شد.^{۹۱}

دومین سازماندهی دانشجویی در ۳۰ اکتبر ۱۹۲۹ در شهر ناچو شکل گرفت. این اعتراض در رابطه با آزار جنسی دانشجویان دختر توسط دانشجویان ژاپنی بود. این اعتراضات به چند دانشگاه نیز کشیده شد و در ۳ نوامبر همان سال تمام شد. در دوازده نوامبر همان سال دانش آموزان دبیرستان‌ها نیز برای اعتراض به تنبیه انضباطی دانشجویان کره اعتراض کردند.^{۹۲}

در یازده آوریل ۱۹۶۰ جنبش دانشجویی در اعتراض به نتیجه انتخابات اعتراض کرد. در این اعتراضات ۵۰هزار دانشجو شرکت کردند و تا ۱۵ مارس طول کشید. اعتراضات کشتار گوانجو و جنبش نسل ۳۸۶ قبلاً توضیح داده شده است.

جنبش دانشجویی در سال ۱۹۸۷ که معروف به "خیزش ژوئن" است با اعتراضاتش توانست بسیاری از اصلاحات سیاسی را به حکومت نظامی تحمیل کند. سازماندهی این جنبش که توانست شش میلیون نفر را به خیابان بیاورد، یکی از نمونه‌های منحصر بفرد آن دوران است.^{۹۳}

این خیزش در ۱۰ ژوئن شروع و در ۲۹ ژوئن توانست انتخابات را به رژیم تحمیل کند. جنبش دانشجویی با سازماندهی خود علیه سیاست اقتصادی امریکا توانست تحریم گوشت آلوده به جنون گاوی را در سال ۲۰۰۸ به دولت تحمیل کند و با شمع افروزی‌های شبانه در ۱۱ آوریل ۲۰۰۸ دولت مجبور شد خرید گوشت گاو را ممنوع کند.^{۹۴}

اعتراضات سال ۲۰۱۱ علیه افزایش شهریه دانشگاهی و تظاهرات برای حق خواهی و عدالت برای زنان برده جنسی در جنگ جهانی دوم در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ دیگر دستاوردهای جنبش دانشجویی است.

بعد از اعتراضات جنبش دانشجویی کوانجو در سال ۱۹۸۰، دولت کره بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ دست به یک پاکسازی وسیع در میان نیروهای اجتماعی (فعالین جامعه مدنی، کارکنان بخش اجتماعی، سیاستمداران، اساتید دانشگاهی، معلمان، فعالین مذهبی، روزنامه نگاران و دانشجویان) زد. دولت این فعالین را دستگیر نکرد بلکه با شناسایی آنها مخفیانه شروع به اخراجشان کرد. در دانشگاهها نیروی پلیس مستقر شد.

بعد از سال ۱۹۸۳ دولت مجدداً اجازه بازگشت به کار اساتید و دانشجویان به دانشگاهها را داد. در سال ۱۹۸۴ فعالین سندیکاها کارگری نهادی به نام حامیان دموکراسی (پرو دموکراسی) تاسیس کردند. این نهاد در ۴۲ کالج و دانشگاه شروع به فعالیت و عضو گیری از دانشجویان کرد و آنها را متشکل نمود. دانشجویان طرفدار تغییرات سیاسی هر روز به تعدادشان اضافه می‌شد، در سال ۱۹۸۵ سندیکا و دانشجویان نهادی را تاسیس کردند به نام جنبش ائتلافی مردمی برای دموکراسی و اتحاد.^{۹۵}

اپوزیسیون دولت از این شرایط برای عضو گیری در جهت منافع خودش استفاده کرد و نام نهادشان را حزب دموکراتیک جدید نهادند.^{۹۶}

رهبر جنبش دانشجویی کره، کیم دا جنگ در امریکا فعالیت می‌کرد، کیم توانسته بود با تعدادی زیادی از نمایندگان سنای امریکا دیدار کند و مشکلات دموکراتیک را مطرح کند، در شش فوریه ۱۹۸۴، ۱۲ نماینده سنای امریکا از دولت کره جنوبی خواستند که اجازه بازگشت او را به کشور بدهد و در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۸۴ جنگ به همراه دو نماینده کنگره امریکا به کره برگشت. بسیاری از فعالین دانشجویی برای استقبال از او به فرودگاه رفتند اما نیروهای امنیتی در زمان ورود او به فرودگاه با ضرب و شتم ایشان را از نمایندگان جدا کردند و در حصر خانگی نگه داشتند و دولت کره حکم جلب و زندان او را صادر کرد و تا ۲۵ ژوئن ۱۹۸۷ در حصر خانگی بود.^{۹۷}

حزب دموکراتیک جدید توانست با کمپین به جمع آوری ۱۰ میلیون امضا فعالیت خود را ادامه دهد. دولت در کوتاه مدت کلیه دفاتر، مسئولین و جریانات مدنی را سرکوب کرد. شرکت ۷۰۰ هزار نفر در اعتراضات یکی از فعالیتها آنها در آن دوره بود. در سال ۱۹۸۶ جنبش ائتلافی کمپینی راه انداخت که به دولت امریکا برای قطع حمایتش از دولت نظامی به خاطر ضرب و شتم دانشجویان و کارگران توسط نیروهای نظامی فشار می‌آورد. رژیم صدها نفر را در رابطه با این کمپین دستگیر کرد. در ۱۳ آوریل ۱۹۸۷ دولت مجبور شد که انتخابات دموکراتیک اعلام کند.^{۹۸}

سازماندهی جنبش اجتماعی کره به دو بازه زمانی تقسیم می‌شود: از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ و از ۱۹۹۲ تا به امروز. این سازماندهی همچنین به دو روش صورت می‌گیرد:

- سازماندهی مستقیم، ناگهانی که منجر به نوسانات اقتصادی و گاه با خشونت همراه است مانند تظاهرات ۲۰۰۸، ۱۹۹۷، ۱۹۸۷ و ۲۰۱۳ تا به امروز

- سازماندهی بدون خشونت و مسالمت آمیز، مدنی و قانونی.

البته نمی توان به نوع مبارزات خودبه خودی اشاره نکرد اما در مقابل دو نوع سازماندهی آگاهانه بسیار ناچیز است. این دو نوع سازماندهی همیشه بستگی به فشار نیروهای نظامی داشته است و فراز و نشیب مبارزات اجتماعی به وضوح دیده می شود. به طور مثال در بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ اوج مبارزات غیر مستقیم سال ۸۳ است و اوج مبارزات و اعتراضات و اعتصابات هم همان سال ۱۹۸۳ می باشد. ۱۱۱۶ اعتراض دانشجویی، ۷۱۴ اعتراض کارگری، ۱۶۲ اعتراض روزنامه نگاران - رسانه ها و چاپخانه ها، ۱۶۲ اعتراض روشنفکران، ۱۴۸ اعتراض نهادهای مدنی تا اعتراضات زنان، زندانیان، کشاورزان، کارکنان دادگاهها که در مجموع ۳۳۲۷ اعتراض ثبت شده است.^{۹۹}

در دهه هفتاد میلادی ۳۲ درصد اعتراضات دانشجویی بودند و ۱۷ درصد اعتراضات کارگری بود و در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷، نیز ۴۸ درصد اعتراضات دانشجویی بود در حالی که در همین دوره اعتراضات کارگری ۲۴ درصد بودند. در سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲، ۲۲ درصد اعتراضات دانشجویی بودند. ولی در سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲، ۳۵ درصد اعتراضات و اعتصابات کارگری بودند (منبع قبلی)

تاثیر مبارزات کارگران ماشین سازی هیوندا و کارگران کارخانجات نساجی در تغییر اصلاحات ۱۹۸۷ تاثیر به سزایی داشته است. در منطقه السون که بیشتر بخش صنایع تجاری در آن تمرکز دارد بیشترین اعتراضات کارگری شکل گرفت به خصوص در صنایع متال و پتروشیمی. در همین زمان بود که درگیری زنان فعال کارگری با رهبران جنبش کارگری شکل گرفت و بسیاری از نقدهای روشنفکران دانشگاهی متوجه سندیکاهای مردسالارانه شد که در مقاله مبارزات زنان در کره جنوبی به آن پرداخته می شود.

جنبش اصلاحات سیاسی بر روی جنبش سندیکایی نیز تاثیر گذاشت. به خصوص جنبش سندیکایی با نگاه نقادانه ای، برخورد و تحلیل اکونومیستی خود را با نهاد سندیکایی بازبینی کرد. آنا آگاهی سیاسی خود را بسیار پایین ارزیابی کردند. این درک پایین سیاسی بر استقلال سندیکاهای تاثیر گذاشته بود. در همین راستا بود که بعد از تغییر اصلاحات سیاسی، بسیاری از فعالین کارگری بنیان تشکلهای مستقل کارگری را گذاشتند.^{۱۰۰}

عمل مستقیم کارگری و پیشرو بودن کارگران در سال ۱۹۸۷ توانست تغییر اساسی در روابط کار و سرمایه در کره جنوبی بوجود آورد. کارگران توانستند متشکل تر، قوی تر، مبارزه جویانه تر و مستقل تر در خارج از چهارچوب روشنفکری حرکت کنند.

مدیریت سرمایه داری بعد از اعتراضات کارگری که مبارزات عبارت از شکایت در اتحادیه است، سیستم روابط کارگری در محیط خود را تغییر داد سپس در سال ۱۹۹۰ روابط کارگری را تاسیس کرد و موارد کارگری را منطقه ای کرد. استراتژی جدید سرمایه این شد که تا حد توان کل نیروی کار را از حالت تجمع در مراکز کار در آورد و کارگران را به صورت منعطف به استخدام در آورد. در همین زمان سیستم دفاعی خود را به روز کردند و از تجربیات مقابله با مبارزات بلوک شرق و بخصوص کشور لهستان برای سرکوب کارگران استفاده کرد. تا حد ممکن استقلال سندیکا را با زیر ضرب بردند، با احضار متناوب فعالین کارگری به سازمان امنیت و پلیس - بازجویی های طولانی و زندانهای طویل المدت جنبش کارگری را مورد تهاجم قرار دادند. در سال ۱۹۹۰ اکثر فعالین کارگری سرشناس یا در زندان بودند یا مخفی شده بودند. رژیم کره اجازه استفاده از وکلا را از فعالین کارگری سلب کرده بود. وضعیت مالیات سالانه فعالین کارگری دائما بررسی می شد. از ژانویه ۱۹۹۰ تا ژانویه ۱۹۹۱، ۴۸ درصد تشکلات کارگری از بین رفت و اعضای سندیکا ۴۵ درصد کاهش یافت. (منبع قبلی ص ۱۹۰)

رژیم کره در سال ۱۹۸۹ اقدام به تقویت انجمن تشکل‌های صنایع کره و فدراسیون کارفرمایان کره نمود. کارفرمایان با شعار " نه کار و نه حقوق " و عدم اجازه برای پرداخت بیش از دو درصد حقوق برای عضویت در سندیکا، عملاً سندیکاهای را با مشکل مواجه کردند. خرید نیروی کار منعطف بر اساس قطعه کاری موضوع جدی جنبش کارگری شد و از سال ۱۹۹۰ رژیم با وارد کردن نیروی کار مهاجر و مقابل هم قرار دادن کارگران سیاست‌های خود را دنبال کرد. کارفرمایان گروه چپولی با شعار " جنبش فرهنگی کمپانی " سعی کردند از طریق مبارزه فرهنگی بر روی مسائل خانواده، فرهنگ، سبب‌های اجتماعی، زبان و ملیت بر روی جنبش کارگری کره تاثیر بگذارند. دادن کمک هزینه، مسافرت‌های تفریحی، فستیوال‌های موسیقی در کلوپهای خانوادگی و فرستادن کارگران به خصوص به کشورهای سابقا کمونیستی و فرستادن کارگران برای آموزش به جزایر تفریحی برای آموزشهای شناخت مشکلات و حل مشکلات در چارچوب جامعه سرمایه‌داری و آموزشهای ایدئولوژیک تامل^{۱۲} به کارگران اوج گرفت، این آموزشها برای بازگشت به کره ای بود که "همیشه در معرض خطر قرار دارد و باید از کلیت اش حفاظت شود". (منبع قبلی ۱۹۳)

مشابه این برنامه را به شکلهای گوناگون می‌توان در جنبش کارگری کشورهای مختلف مثال زد. مانند فعالیتهای خانه کارگر و انجمن‌های کارگری دست ساز دولتی در ایران. سرمایه توانسته بود که سندیکاهای را تضعیف کند، جنبش کارگری که در سال ۱۹۸۷، ۷۸۸۳ سندیکا تشکیل داده بود و اعضایش ۱،۹۳۲،۰۰۰ بود از ۱۸،۲ درصد کل جنبش به ۱۱،۲ در سال ۱۹۹۷ رسید. در دسامبر ۱۹۹۶ و ژانویه ۱۹۹۷، کره جنوبی بزرگ ترین تجربه اعتصاب سازمان یافته در تاریخ خود را داشته است، زمانی که کارگران در صنایع خودروسازی و کشتی سازی در اعتراض به انعطاف پذیری ساعات کار و محدودیت حقوق کار که به کارفرمایان امکان بیشتری برای اخراج آسانتر کارگران می‌داد، دست به سازماندهی وسیع زدند. اعتصاب با لغو قانون کار توسط دولت به پایان رسید. در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶ چند روز قبل از تعطیلات سال جدید دولت مرکزی در مجلس بدون هیچ گونه مخالفتی، قانون کار جدید را در عرض ۷ دقیقه تصویب کرد. در قانون کار جدید قدرت کارفرما به حدی رسید که امکان بیشتری برای اخراج نیروی کار را داشت و می‌توانست کارگر را با قرارداد موقت استخدام کند. کنفدراسیون شوراهای کارگری (کی سی تی یو) در همان روز جلسه گذاشتند و اعتصاب عمومی را اعلام کردند و ۱۴۵ هزار کارگر از کارگران کارخانه ماشین سازی هیوندا و کیا همان روز به اعتصاب عمومی پیوستند. فردای همان روز فدراسیون کارگران کره (اف کی تی یو) به اعتصاب پیوست و ۳۷۲ هزار کارگر به این اعتصاب پیوستند. این اولین اعتصاب عمومی بزرگ بعد از جنگ جهانی دوم بود. تاثیر اعتصاب به حدی بود که دولت در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۷ قانون کار جدید را لغو کرد. (منبع قبلی ص ۱۹۹) این اعتصاب عمومی توانست در سراسر دنیا تاثیر خودش را بگذارد و آی سی اف تی یو به همراه آی ال او یک هیئت بررسی به کره فرستاد. به تبعیت از اقتصاد جهانی و پایین آوردن هزینه کار، دولت کره دست به تعدیل اقتصادی زد و بسیاری از نیروهای کار را در بخشهای متفاوت اقتصادی اخراج کرد. کره نتوانست خواسته‌های صندوق بین المللی پول (آی ام اف) را برآورده کند. در همان سال صندوق بین المللی پول ۵۷ میلیارد دلار کمک مالی به دولت کره جنوبی داد. اما سندیکاهای کارگری با هم توافقی کردند که از لحاظ تاریخی برای جنبش کارگری مشکل ساز شد. در این توافق اخراج کارگران تا سال ۲۰۰۰ به تاخیر می‌افتاد و در مقابل سندیکاهای روابط کار را میپذیرفتند. این توافق در بدنه جنبش کارگری، به خصوص در بخش ماشین سازی اعتراضات بسیاری راعلیه رهبری سندیکاهای بوجود آورد و کلیه رهبران در انتخابات بعدی رای نیاوردند. در سال ۲۰۰۰، ۵۲ درصد نیروی کار را کارگران پاره وقت تشکیل می‌دادند.

در سال ۲۰۰۰ شورای فدراسیون کارگری کره (کی سی تی یو) انتخاباتش را برگزار کرد و در انتخابات دن بیونگ هو (Dan Byung Ho) با شعار مبارزه برای لغو کار موقت، نیمه وقت و غیراستاندارد و حمایت از جنبش بیکاران و با شعار همبستگی با کارگران موقت (Precarious) فعالیت خود را شروع کرد. بعد از تحمیل قرارداد صندوق بین المللی پول، دولت کره برای خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی همطراز با کشور امریکا خیز برداشت. جنبش کارگری کره از سال دو هزار سعی کرد از فعالیتهای کمپینی جنبش

کارگری امریکا استفاده کند و بسیاری از تاکتیکهای خود برای مبارزه با کمپانیهای چند ملیتی را از جریانات امریکایی کپی برداری کرد. بخشی از این دیدگاهها توسط فعالین جنبش کره ای که در امریکا درس میخوانند و در جامعه امریکا کار می کنند، وارد جنبش کارگری کره جنوبی شد.^{۱۰۳}

در سال ۲۰۰۰ کمپانی تله کام ۷۰۰۰ کارگر دائم را تبدیل به کارگر موقت کرد، سندیکا دست به اعتصابی زد که ۵۱۷ روز طول کشید. آنان تمامی تاکتیکهای رادیکال را به کار بردند اما موفق نشدند. نمونه دیگر ۲۵۰ کارگر الکتریک که سازنده رادیو الکترونیکی بودند و کارفرما این کارگران را به کارگر موقت تبدیل کرد و آنها ۱۸۹۵ روز در اعتصاب بودند. سندیکا در جمع بندی خودش از عدم موفقیت سه نکته را اعلام کرد:

۱- عدم حمایت کارگران ثابت

۲- ایزوله شدن کارگران در میان جنبش عمومی کارگری

۳- کمبود موارد قانونی.

سندیکاهای از شکست در این مبارزه به این نتیجه رسیدند که در دهه دوهزار سندیکاهای کره سه مدل سازماندهی را برای خود باید برگزینند: سندیکاهای منطقه ای، سندیکاهای صنعتی و سندیکاهایی که بر اساس عضوگیری اعضا در میان زنان، مهاجرین و جوانانی که در محیطهای کارگری که کارگران غیر رسمی مشغول به کارند پایه گذاری شده بود. پنجاه سندیکای منطقه ای وجود داشت که به کارگرانی متعلق بود که مشاغل آنها و صاحبان کار مشخص بودند. در شهرها و ایالات کره در مجموع سه درصد از نیروی کار متشکل را کارگران غیر رسمی و موقت تشکیل می دهند. سندیکاهای تمام سعی خود را می کنند که در فضاهای عمومی برای متشکل کردن کارگران غیر رسمی و نیمه وقت تبلیغ و ترویج کنند و همبستگی خودشان را با دیگر بخشهای این کارگران گسترش دهند، کارگرانی که نیروی کار خود را به صورت موقت، غیراستاندارد، پاره وقت و ارزان می فروشند و بخش عمده آنان را زنان و جوانان تشکیل می دهند و به این ترتیب برای بوجود آوردن نوعی جنبش اجتماعی اتحادیه های کارگری برای سازماندهی کارگران بخش غیر استاندارد (موقت، نیمه وقت، زنان، جوانان) کوشش می کنند. آنان در سال ۲۰۰۶ دست به جمع آوری کمک مالی زدند و توانستند ۴ میلیون دلار جمع کنند که بتوانند این کارگران را سازماندهی کنند.^{۱۰۴}

سازماندهی این بخش با شناسایی محیطهای کار، وجود سندیکا در بخشهای دیگر و ارتباط گیری با بخش غیراستاندارد در سه بعد انجام می شد:

یک- کار دراز مدت، دفاع از مالکیت عمومی

دو- نقش قوی سندیکا

سه- تاثیر گذاری بر کارگران که یا انجمن یا سندیکای مستقل را قبول کنند.

سازماندهندگان توانستند ۴۰۰۰ کارگر تمیزکار متروها را به عضویت فدراسیون کارگری در بیاورند. تشکل زنان کره توانست سندیکای کارگران جوان کره را تاسیس کند. سندیکای کارگران جوان کره توانست با دامن زدن به اعتصاب در محیطهای کاری

که جوانان در بخش غیر رسمی کار می‌کردند شرایط کار را بهتر کنند. به طور مثال کارگران بخش‌های اتومبیل‌سازی هیوندا، کارخانه‌های دوو (Daewoo Motors) و کارگران متال توانستند دستمزد بیشتری برای اعضایشان بگیرند.

برای سازماندهی بخش غیر استاندارد چند مشخصه برای خود نیز در نظر گرفتند، مانند: فعالین موهای سر خود را می‌تراشند، تحصن کردن، آویزان کردن بنر در مکانهای بلند، اعتصاب غذا و در نهایت خودکشی. سازماندهی بخش غیراستاندارد پروسه زمانی طولانی را نیاز داشت، به خاطر اینکه کارفرمایان می‌خواستند در یک پروسه طولانی سندیکا را برای مذاکره قانونی به رسمیت بشناسند و مهمتر اینکه کارگران را نسبت به مبارزات رادیکال خودشان خسته و ناامید کنند و با اخراج کارگران فعال، بقیه کارگران را از فعالیت کارگری باز دارند. کارگران کره دریافتند برای مبارزه باید به فعالیت دراز مدت فکر کنند که نمونه آن اعتصاب کارگران دستیار معلم* جی ای تی یو بود که از سال ۲۰۰۷ شروع شد و ۲۰۷۶ روز ادامه داشت.^{۱۰۵}

اعتصاب ۵۰۰۰ معلم برای به رسمیت شناختن سندیکا توسط کارفرما در سال ۲۰۰۷ شروع شد و ۱۲ نفر از معلمان که مایل به لغو عضویت شان در اتحادیه معلمان نبودند، اخراج شدند. در طول ۵ ماه اعتصاب، مدیریت ۱۷ بار درخواست مذاکره کرد ولی موفق نشد و بعد از ۲۰۲ روز اشغال محیط کار توسط معلمان، کارفرما مجبور شد ۱۲ دستیار معلم را به کار بازگرداند.

در سال ۲۰۰۶ کارفرما شرکت ای لند*^{۱۰۶} ۲۰۰۰ کارگر تمام وقت صندوقدار فروشگاههای ای لند را به کارگر نیمه وقت تبدیل کرد که اکثر آنها را زنان تشکیل می‌دادند. فدراسیون شوراهای کارگری این کارگران را در سال ۱۹۹۳ متشکل کرده بود و فدراسیون اعلام اعتصاب کرد که ۵۱۰ روز طول کشید. در طول مسابقات جام جهانی سئول کارگران ۲۱ روز در مقابل ۴۱ فروشگاه بست نشستند، ۳۷ نهاد مدنی و فدراسیونهای جهانی کارگری کلیه محصولات این فروشگاهها را بایکوت کردند، کارفرما شکست را پذیرفت و ۱۸۰ کارگر اخراجی بعد از اتمام اعتصاب به کار خودشان برگشتند و کارفرما ۸۰۰,۰۰۰ وان جریمه شد.

از سال ۲۰۰۸ سندیکاها شروع به عضوگیری کارگرانی کردند که از سالمندان نگه داری و مراقبت می‌کردند، تا سال ۲۰۱۳ توانستند ۲۰ هزار کارگر خانگی و ۲۲ هزار کارگر دستیار را عضو اتحادیه کنند که از دولت حقوق دریافت می‌کنند. این اعتراضات همچنان در سالهای بعد و تا به امروز ادامه داشته و دارد. در زیر به سالشمار برخی از این اعتراضات مروری داریم:

۲۰۰۸

ماه جولای اعتراض کارگران رسانه‌ها به خصوصی سازی توسط دولت، کارگران معتقدند دولت با هدف اعمال قدرت و کنترل بیشتر بر رسانه‌ها اقدام به خصوصی سازی می‌کند.^{۱۰۷}

۲۲ مه ۲۰۰۹

۹۷۶ تن از کارگران شرکت سانگ یانگ موتور به مدت ۷۷ روز دست به اعتصاب زدند و کارخانه اتومبیل سازی را اشغال کردند. آنها چندین بار مورد حمله نیروهای نظامی و شبه نظامی قرار گرفتند. سپس توافقی با تایید دادگاه محلی توسط مدیریت و رئیس اتحادیه محلی برای پایان دادن به اشغال امضا شد. اما اوضاع برای کارگران اعتصابی به شدت وخیم شد و دادگاه و پلیس تعداد زیادی از کارگران اعتصابی را تحت تعقیب قرار داده و به جرم ۴/۵ میلیون دلار زیان برای اشغال و اعتصاب زندانی کرد تا بدین وسیله قدرت اعتصاب و اعتراض کارگران را در آینده مهار و ایستایی آنان را تضعیف کنند.^{۱۰۸}

۴ دسامبر ۲۰۰۹

کارگران راه آهن کره بعد از ۸ روز اعتصاب، به دنبال اعلام غیر قانونی بودن اعتصاب توسط دولت و حمله به دفاتر اتحادیه‌ها و صدور حکم بازداشت ۱۵ تن از رهبران اتحادیه به اعتصاب خود پایان دادند. نزدیک به ۱۵ هزار نفر از کارگران راه آهن در این اعتصاب شرکت کردند آنان خواهان پذیرفتن قراردادهای دستجمعی توسط کارفرما و جلوگیری از فسخ قراردادهای شغلی خود بودند.^{۱۰۹}

۱۱ و ۱۲ نوامبر ۲۰۱۰

تظاهرات و اعتراض کارگران، اتحادیه‌ها ی کارگری، دانشجویان و سایر سازمان‌ها ی چپ گرا در سئول با دیگر فعالان بین المللی علیه اجلاس گروه ۲۰ (G20).

۱۵ نوامبر ۲۰۱۰

اعتصاب و اشغال کارخانه اتومبیل سازی هیوندای موتور توسط کارگران رسمی و غیر رسمی کارخانه و اعلام اتحاد و همبستگی بین کارگران و اعلام حمایت بین المللی کارگران از کارگران معترض این کارخانه.

کارگران غیر رسمی قراردادهای موقت دارند. این کارگران ۴۸ درصد از کل کارگران کارخانه را تشکیل می‌دهند و اخراج آنها برای کارفرما بسیار آسان می‌باشد. به دنبال حمله و درگیری با پلیس، برخی از رهبران اتحادیه کارگران موقت توسط نیروهای امنیتی و ارادل و اوباش شرکت در اثر ضرب و شتم در بیمارستان بستری شدند. اما این امر اراده کارگران موقت را برای احقاق حق شان متوقف نکرده و به مبارزه ادامه دادند. این مبارزه به ویژه بعد از صدور بیانیه مشترک کارگران رسمی و موقت، شکل بسیار منسجمی به خود گرفت.

در این اعتصاب قدرت کارگران به طور کامل نشان داده شد. تولید کارخانه به مدت ۲۵ روز تعطیل شد. هزینه این اعتصاب برای کارفرمایان و سرمایه دارها ۲۷۷ میلیون دلار برآورد شد. بر اساس گزارشها در ماه نوامبر خودروسازان کره ای بدترین فروش را داشتند. این اعتصاب علاوه بر همبستگی بیشتر بین کارگران اعتماد به نفس بیشتری به کارگران سایر کارخانه‌ها داد. به گفته یکی از تحلیل گران / این گل مبارزه جدید از دانه قدیمی است.^{۱۱۰}

۲۴ می ۲۰۱۱

بیش از ۳۰۰۰ پلیس ضد شورش به کارگران اعتصابی کارخانه Yoosung در آنسان، جنوب سئول حمله کردند.

۱۴ جولای ۲۰۱۱

نزدیک به ۲۰۰۰ کارگر در یک کارخانه تولید پوشاک متعلق به کره جنوبی در ویتنام دست به اعتصاب در اعتراض به دستمزدهای پایین زدند. پلیس ضد شورش با پشتیبانی بالگردها و توپ آب اعتصاب نشسته کارگران عضو اتحادیه کارخانه قطعات خودرو در کره جنوبی را شکست.^{۱۱۱}

۲۰ ژانویه ۲۰۱۴

اعتصاب کارگران راه آهن کره جنوبی علیه خصوصی سازی

کارگران راه آهن کره جنوبی یک اعتصاب ۲۲ روزه را سازمان دادند که طولانی ترین حمله در تاریخ این کشور علیه خصوصی سازی بود. گرچه آنها یک پیروزی آشکار بدست نیاوردند، اما توانستند فکر عموم مردم را بر موضوع خصوصی سازی متمرکز کنند.

۲۴ آوریل ۲۰۱۵

۲۶۰ هزار نفر از کارگران کره جنوبی علیه انعطاف پذیری قانون کار (قانون بازار کار) و اصلاح بازنشستگی دست به اعتصاب زدند. دهها هزار نفر از کارگران اتحادیه در سراسر کشور علیه دولت از محل کار خود اقدام به راهپیمایی کردند. دولت در نظر داشت برای اصلاح سیستم بازنشستگی کارکنان خدمات عمومی و معرفی ساعات کار انعطاف پذیرتر اقدام کند.

۲۱ نوامبر ۲۰۱۵

در سحرگاه ۲۱ نوامبر نیروهای پلیس دولت کره جنوبی به دفاتر کنفدراسیون اتحادیه‌ها ی کارگری KCTU, KPTU و سایر اتحادیه‌ها حمله و به بازرسی و مصادره این دفاتر به روش حیرت انگیزی اقدام کردند. بیانیه‌ها ی متعددی از سوی اتحادیه‌ها ی کارگری سراسر جهان در محکومیت حمله پلیس دولت کره جنوبی به دفاتر اتحادیه‌ها ی کارگری منتشر شد. رییس جمهور گسترش اعتراضات کارگری در سراسر کره جنوبی را با داعش مقایسه کرد. پارک گون‌ها ی به معترضان هشدار داد و تظاهرات ضد دولتی را ناشی از نفوذ «عناصر تروریستی» اعلام کرد.

با اشاره به تظاهرات توده ای که در سئول ۱۰ روز قبل صورت گرفته بود، پارک معترضانی را که صورت خود را با پوشیدن ماسک یا پوشش‌ها ی دیگر مخفی کرده بودند را به اعضای گروه افراطی بدنام نسبت داد و خواستار ممنوعیت استفاده از ماسک در تظاهرات شد. این تظاهرکنندگان، به دلیل انتشار کتاب‌ها ی تاریخ جعلی برای مدارس و اصلاحات بازار کار، دولت را محکوم کردند. درگیری‌ها ی خشونت آمیز میان پلیس و تظاهرکنندگان، که برخی از آنها صورت خود را پوشانده بودند دیده شد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۱۶

درگیری میان پلیس و فعالان کارگری و حامیان آنها رخ داد، همانند اعتراضی که در تاریخ ۱۴ نوامبر در شمال مرکزی سئول صورت گرفت. در این اعتراض به اصلاحات کارگری طرفدار کسب و کار، کنفدراسیون اتحادیه‌ها ی کارگری کره (KCTU)، دومین سازمان کارگری در این کشور پس از فدراسیون اتحادیه‌ها ی کارگری کره ای (FKTU)، نقش اصلی را داشت

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۶

۱۵۰ هزار کارگران فلز کار کره جنوبی دست به اعتصاب زدند. اتحادیه کارگران فلزکار کره، فراخوان اعتصاب عمومی در سراسر این بخش را در حمایت از اعتراضات کارگران هیوندای اعلام کرد.

دهها هزار نفر از فعالین اتحادیه ای در سئول تظاهرات کردند، جمعه ۲۲ ژوئیه ۱۵۰ هزار نفر از بخش صنایع فلزی دست به یک اعتصاب عمومی در حمایت از اختلاف بر سر حقوق و شرایط کار در گروه هیوندای موتور زدند.

هیوندای یکی از شرکت‌ها ی چند ملیتی مختلط به نام "چائبول" در بخش صنایع فلزی در کره جنوبی است.

کارگران در کارخانه هیوندای موتورز در اولسان در روز جمعه پیاده روی کردند و به کارگران کیا موتورز، کشتی سازان از هیوندای صنایع سنگین و دیگر شرکت‌های وابسته ملحق شدند. آنها اعلام کردند ۲۶ ژوئیه اقدامات بیشتری برای اعلام اعتراض شان صورت خواهند داد.^{۱۱۲}

۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶

اعتصابات کارگران راه آهن و کارگران مترو و همچنین کارگران هیوندای موتور باعث آسیب بیشتر به اقتصاد کشور شده است، خسارت مالی از اعتصاب کارگران اتحادیه هیوندای موتور، بزرگترین خودروساز کشور، در حال حاضر به یک رکورد بی سابقه رسیده است: از دست دادن تولید ۱۲۶ هزار اتومبیل به ارزش بیش از ۲,۷۸ تریلیون وون (۲,۵۳ میلیارد دلار) طی ۲۲ بار اعتصاب در سال ۲۰۱۶. این مقایسه با رکورد قبلی در سال ۲۰۱۲، هنگامی که ۱۲ اعتصاب باعث ۱,۷ تریلیون خسارت مالی به بار آورد، قابل ملاحظه است.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی و حمل و نقل نیز اعتصاب خود را برای سومین روز تمدید کردند. فقط ۳۲ درصد از حمل و نقل، عملیات حمل و نقل به طور منظم مطابق گزارش وزارتخانه "زمین، زیربنا و حمل و نقل" انجام شد.^{۱۱۳}

۵ اکتبر ۲۰۱۶

کارگران هیوندای تهدید به اعتصاب سراسری کردند و اعلام کردند در صورتی که دولت حکم اضطراری حق بازگشت به کار کارگران را صادر نکند، دست به اعتصاب سراسری خواند زد. وزیر کار گفت: اگر اتحادیه‌ها ی کارگری و مدیریت موفق به سازش و پایان دادن به اعتصاب نشوند اعتصاب در هیوندای موتور به طور جدی به بخش‌های زیر مجموعه اتومبیل و اقتصاد به طور کلی آسیب جدی وارد خواهد آورد.^{۱۱۴}

تعداد زیادی از کارگران کره جنوبی در صنایع مختلف طی روزهای اخیر در اعتصاب بسر بردند، اعتراض به یورش دولت رئیس جمهور پارک گون‌ها ی به شرایط کار علت اصلی این اعتراضات است. این اقدامات نشانه روشنی از تمایل به مبارزه در لایه‌ها ی گسترده ای از طبقه کارگر با وجود تلاش‌ها ی اتحادیه‌ها ی کارگری می‌باشد. رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌ها ی کارگری کره، که در حال حاضر مشغول گذراندن محکومیت زندانش برای سازماندهی تظاهرات سال گذشته است برنده جایزه آزادی ۲۰۱۶، جایزه بیم یا هراس (Fear Award) از طرف اتحادیه یونی گلوبال (Global Union) و فدراسیون اتحادیه‌ها ی بین المللی شد.^{۱۱۵}

اکنون نیز روزهاست که هزاران و شاید میلیون نفر از مردم کره جنوبی در اعتراض به فساد گسترده مالی در خیابانها هستند و خواستار برکناری دولتند. این اعتراضات گسترده جز با همکاری و همراهی تشکلهای مختلف دانشجویی، زنان و کارگری امکان پذیر نیست. آنان پیگیرانه خواسته‌ها ی خود را دنبال می‌کنند و رسانه‌ها ی سرمایه‌داری کمترین پوشش خبری را از این اعتراضات گسترده دارد.

منابع و زیرنویسها:

۲- برای شناخت بهتر جنبش مسلحانه مائوئیستی در دوران معاصر باید به جنبش مسلحانه راه درخشان در کشور پرو پرداخت و این جنبش را بررسی کرد. جنبشی که در دهه هشتاد میلادی شکل گرفت و در سال ۲۰۰۸ افول کرد.

<http://www.coha.org/the-rise-and-fall-of-shining-path/>

۴- در مطلب بعدی ما به بررسی جنبش کارگری آرژانتین خواهیم پرداخت.

۵- شبه جزیره کره از سال ۱۳۹۲ تا ۱۸۹۷ میلادی توسط خاندان پادشاهی چوسون اداره می‌شد و اسم قدیم این کشور، چوسون و مستعمره کشور چین بود. در سال‌های ۱۵۹۲ تا ۱۵۹۸ توسط ژاپنی‌ها اشغال شد.^۱ در سال ۱۸۹۷ این خاندان نام این کشور را به امپراطوری کره تغییر دادند. قبل از این تغییر نام، جنبش دهقانی دانگهک در سال ۱۸۹۴ شکل گرفته بود. این جنبش یا انقلاب دهقانی یکی از مهم‌ترین جنبش‌های تاریخی آسیا است. این جنبش دستاورد عظیمی داشت از جمله مالیات گذاری بر روی در آمد ثروتمندان، تقسیم زمین و فشار آوردن بر حکومت چوسون و رهایی از زیر یوغ چین.^۲ بعد از جدایی از سیطره چین در سال ۱۸۹۷ به لحاظ فرهنگی به کشور ژاپن نزدیک شد. فرهنگ سیاسی زیر تعالیم اخلاقی کنفوسیوس^۳ بود، این تعالیم به معنی بوجود آوردن یک رابطه‌ها رمونیک با جهان هستی از طریق سلسله مراتب هرمی، که برای رسیدن به سلسله مراتب اجتماعی بالاتر افراد از طریق سلسله مراتب بوروکراتیک انتخاب شده و در یک سلسله رقابت امتحان پس می‌دهند. قدرت سیاسی از طریق پادشاه اعمال می‌شود و اوست که حق رفتن به بهشت را تعیین می‌کند.^۴ در چنین جامعه ای ۸۰ درصد مردم هیچ نقشی نداشتند. این کشور در سال ۱۹۱۰ دوباره توسط ژاپن اشغال شد و تا سال ۱۹۴۵ در اشغال باقی ماند که در پنج سال اول آن، وحشتناک ترین فشار بر روی جامعه کره آورده شد. استبداد ژاپنی در تمامی ابعاد این جامعه کره را در بر گرفت، فرهنگ ژاپنی بر کل جامعه حکمفرما شد، مردم کره به عنوان شهروندان درجه دو حساب می‌شدند و آموزش تاریخ کره و زبان کره ای در مدارس ممنوع و مدارس کره محلی برای واردات محصولات نظری و فرهنگی ژاپن شد، تمامی ارکان رسانه‌های اجتماعی، روزنامه‌ها، مجلات، اطلاعیه‌ها، رادیو و سینما زیر نظر ژاپن بود، نژاد پرستی ژاپنی در تمامی ارکان کره نمود داشت، تمامی مشاغل حساس کره در دست ژاپنی‌ها بود از مدیریت مدارس تا ارکان دولتی، مردم کره باید نام ژاپنی بر روی فرزندان خود می‌گذاشتند اما حتی بعد از نام گذاری هم آنها را به عنوان ژاپنی به رسمیت نمی‌شناختند. شعار ژاپنی‌ها همزیستی و موفقیت با هم^۵ تنها یک شعار بود. بسیاری از مدارک تاریخی و ادبیات کره و کتاب‌ها سوزانده شد. کره به زندان و شکنجه گاه سیاسی^۶ برای کره ایها تبدیل شده بود. با محاصره ژاپن در ۱۵ اوت ۱۹۴۵ که به شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم منتهی شد، کره از اشغال ژاپن آزاد شد اما به دو کشور تقسیم شد. نیروی امریکا در جنوب و نیروی شوروی در شمال شبه جزیره کره مستقر بودند. ژاپن در محاصره نیروهای جنگی بود و تقسیم کره طی سی دقیقه مذاکره مابین شوروی و امریکا انجام گرفت. فرهنگ سیاسی کنفوسیوسی یا هرمی سد بسیار مهمی در تغییر ساختار سیاسی جامعه ایجاد کرده بود. کره جنوبی همزمان با اشغال نظامی امریکا از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ توانست تا حدودی با آزادی مذهب، مطبوعات و احزاب سیاسی آشنا شود.

¹ https://en.wikipedia.org/wiki/Japanese_invasions_of_Korea_%281592%E2%80%931939%29

² Donghak Peasant Movement

https://en.wikipedia.org/wiki/Donghak_Peasant_Revolution

³ Confucian moral principles

⁴ Change and Continuity in Korean Political Culture An Overview. Hong Nack Kim. West Virginia University

⁵ "Coexistence and coprosperity,"

⁶ torturing political prisoners)

6- Republic of Korea
<http://www3.nccu.edu.tw/~lorenzo/Hao%20Chinas%20Decision.pdf>

7- http://www.bbc.co.uk/history/worldwars/coldwar/korea_hickey_01.shtml

دولت امریکا هنوز با ۴۷ پایگاه نظامی بیشتریت دخالت را در مسائل کره دارد، البته ۱۷ پایگاه آن در چند سال گذشته بسته شده است.

7-https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_United_States_Army_installations_in_South_Korea

8- <http://www.theatlantic.com/international/archive/2013/07/what-we-learned-from-the-korean-war/278016/>

9- Syngman Rhee

10- Park Chung-hee - military junta

11- https://en.wikipedia.org/wiki/Assassination_of_Park_Chung-hee

12- Change and Continuity in Korean Political Culture An Overview - Hong Nack Kim West Virginia University

روشنفکران کره در دهه هشتاد و نود میلادی در یک زمینه بسیار فعال بودند و آن هم شناخت جامعه خودشان بوده است. مطلب تحقیقی نمی توان یافت که در ابتدا در زمینه جامعه شناسی کره صحبت نشده باشد، الگو برداری در سنت آنها نیست و سعی آنها بر این است که با شناخت از یک جامعه سنتی چگونه می توان فعالیت ها را پیش برد. شعار اصلی روشنفکران کره این بود که سیستم سیاسی دموکراتیک نمی تواند بوجود آید بدون فرهنگ مشارکت سیاسی و این امر نیز در گرو آگاهگری است. فرهنگ روزنامه خوانی از هر صد نفر پنج نفر روزنامه خوان در سال ۱۹۶۵ به ۲۴ نفر از صد نفر دز سال ۱۹۷۹ رسید بود فرهنگ مشارکت سیاسی و این امر نیز در گرو آگاهگری است. فرهنگ روزنامه خوانی از هر صد نفر پنج نفر روزنامه خوان در سال ۱۹۶۵ به ۲۴ نفر از صد نفر دز سال ۱۹۷۹ رسید بود.

13- Korean Central Intelligence Agency (KCIA)

14- Choi Kyu-hah

15- https://en.wikipedia.org/wiki/Choi_Kyu-hah

16- National Alliance for the Rapid Realization of Korean Independence

17- Liberal Party

18- Democratic Unification Party

19-https://en.wikipedia.org/wiki/Labor_Party_%28South_Korea%29

20-

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D8%B2%D8%A8_%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%B1%D9%87_%D8%AC%D9%86%D9%88%D8%A8%DB%8C

21- <http://www7.irna.ir/fa/News/81434058/>

22- https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_political_parties_in_South_Korea

23- https://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_Labor_Party_%28South_Korea%29

24- People's New Party for Reform

25- https://en.wikipedia.org/wiki/People's_New_Party_for_Reform

26- Minjoo Party of Korea

27- https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Minjoo_Party_of_Korea&oldid=715675012

28- Park Geun-hye

29- Park Chung-hee

30- Chaebol

31-https://en.wikipedia.org/wiki/Democratic_Labor_Party_%28South_Korea%29

32- <https://www.britannica.com/topic/conglomerate-business>

33- <https://www.britannica.com/topic/chaebol>

کتاب رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی - لی گون یانگ ترجمه مرتضی سلطانپور ایبانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۶ ص 55
35-<http://thediplomat.com/2016/11/south-koreas-most-bizarre-corruption-scandal-yet/>

36- کتاب رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی - لی گون یانگ ترجمه مرتضی سلطانپور ایبانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی-۱۳۸۶
37-

بررسی سیاست شهری سازمان همکاری اقتصادی و توسعه کره جنوبی مترجم دکتر حسین محمد پور زندی ناشر رستان ۱۳۹۴

38- رقابت‌های بی حد و حصر در محیط‌های کارگری و اجتماعی به حدی است که روزانه ۴۰ نفر در کره خود را می‌کشند. این نوع عمل حتی در محیط‌های کارگری افزایش یافته و حتی زهبران کارگری نیز در مقابل اداره کار می‌سوزانند. کار بجایی رسیده که در مدارس و محیط‌های کار تابوت می‌گذارند تا دانش آموزان و کارکنان برای ساعتها در آن بخوابند تا تجربه کنند در زنده بودن اشان مرگ را. عکس زیر اعتراض کارگران برای خودسوزس رهبر کارگری در مقابل اداره کار است.

38-<http://www.bbc.com/news/magazine-34797017>



1987: The Great Workers' Struggle in South Korea

39- The Struggles of Irregularly-Employed Workers in South Korea, 1999-2012 Jennifer Jihye

40.Chun Department of Sociology November 25, 2013

41- irregular employment (bijeonggyujik),

در دهه اول سال دوهزار میلادی ترمنولوژی یا اصطلاح کار غیر استادار یا پرکی ریس یا مشاغل حقوق کم، بدون امنیت شغلی، نبود حمایت قانونی مطرح شد.

https://en.wikipedia.org/wiki/Precarious_work - Precarious work

مبارزه برای کار غیر استادار در تمامی دنیا به یکی از اصلی ترین مبارزات کارگری تبدیل شده است.

42- the Special Committee on Non-regular Workers (SCNW),

¹ in-house subcontracting

43

شرکت‌های چند ملیتی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم گسترش یافته بودند، سعی در به چنگ آوردن منابع ثروت و مواد خام و صدور کالا به همه جهان داشتند. این بار نه تنها به کشورهای تحت استعمار قبل از جنگ جهانی، که به برخی از کشورهای شکست خورده و ویران شده از جنگ، چنگ انداختند. این شرکت‌های چندملیتی که حوزه‌ی عملکردشان را به کشورهای تحت تسلط سرمایه داری گسترش دادند، روزبه‌روز بزرگ‌تر شدند و به منابع ثروت و مواد خام جدیدی دسترسی پیدا کردند. سرمایه‌های آنها به تنهایی بیش از مجموعه‌ی گردش اقتصادی تعدادی از کشورها است (در سال ۲۰۰۳ از صد اقتصاد بزرگ جهان چهل ونه عدد آن شرکت‌ها بودند وشرکتی مانند اکسون اقتصادی بزرگتر از کشوری مانند اسپانیا داشت .)

هر کدام از این شرکت‌ها نیز بخشی از جهان را تحت سیطره خود درآورده‌اند. آنان این بار نه با چند قرارداد و مقالهنامه که با هزاران قرارداد و پیمان‌نامه سعی در کنترل اقتصاد سایر مناطق جهان دارند. پس از سه دهه مطلق‌العنان بودن و گردش نسبتاً آزاد سرمایه‌ها ی این شرکت‌ها در کشورهای دیگر، گسترش این سرمایه‌ها در چارچوب قوانین ملی کشورها با مشکل مواجه می‌شود. هنوز بعضی از قوانین ملی کشورها در اثر مبارزات مردمی یا جنبش‌های آزادی بخش و تغییر حکومتها، یا رقابت میان قدرت‌های پیروز در جنگ‌های جهانی، موانعی در جهت گردش بدون قیدوشرط سرمایه ایجاد میکنند. سرمایه‌ای که به خصوص پس از فروپاشی شوروی و اروپای شرقی و غارت این کشورها بسی حجیم‌تر و بزرگ‌تر شده است و زمینهای آماده‌تری برای گردش خود در بخش دیگری از جهان یافته است و برای حرکت خود به عرصه‌ی وسیع‌تری نیاز دارد. این سرمایه‌داری همراه با دیوارهایی مرئی، نظیر دیوار برلین، شروع به برداشتن آخرین دیوارهای نامرئی می‌کند. در دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم در اثر مبارزات و جنبش‌های آزادی‌بخش و همچنین آزادی نسبی جنبش‌های اتحادیه‌ای و کارگری در قسمت‌های مختلف جهان، قوانین حمایتی از صنایع و نیروی کار و منابع و مواد خام بوجود آمده بود. از جمله در ایران می‌توان به قوانین ملی شدن صنعت نفت، قوانین حمایت از نیروی کار مانند حداقل دستمزد و یا ۸ ساعت کار روزانه و یا بیمه‌های اجتماعی و... اشاره کرد. اما این آخرین بازمانده‌های امتیازات بدست آمده در جریان جنبش‌های مختلف اجتماعی، مانعی در جهت گسترش آزاد سرمایه است.

44-Kongdoli

45- Kongsuni

46-1 Korean Workers The Culture and Politics of Class formation Hagen Koo Cornel university

2001 P12

47-Nodongia

۸۴- منبع قبلی صفحه ۱۴

۴۹- این قسمت از کتاب سیرتحوالات استعمار جلد دو علیرضا ثقفی است که زیر چاپ است.

۵۰- <https://www.scribd.com/document/25522653/South-Korea-Disposable-labour-Rights-of-migrant-workers-in-South-Korea>

51- https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju_Uprising

52- Chun Doo-hwan - https://en.wikipedia.org/wiki/Chun_Doo-hwan

<https://en.wikipedia.org/wiki/Chaebol>

۵۳- https://archive.monthlyreview.org/index.php/mr/article/view/MR-049-03-1997-07_8

گرچه نویسندگان روشنفکر مانندی ریویو مانند همیشه نگران تکرار اشتباه کی تی یو سی در دام فدراسیون امریکا بودند ولی تاریخ نشان داد که جنبش کارگری کره نه از دل روشنفکران بلکه از دل طبقه کارگر بیرون آمده بود و نهادهای سرمایه‌داری نمی‌توانستند این جنبش را به بیراه بکشاند.

54- Industrial estates of Ulsan

55- Pusan, Changwong and Masan,

1987: The Great Workers' Struggle in South Korea

56- https://archive.monthlyreview.org/index.php/mr/article/view/MR-049-03-1997-07_8

57- Federation of Korean Trade Unions

58- <http://kctu.org/kctu>

59- https://en.wikipedia.org/wiki/United_States_beef_imports_in_South_Korea

60

کانون مدافعان در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۶ طی نامه ای از هگن کو استاد جامعه شناسی دانشگاه‌ها وایی در امریکا که چندین کتاب و مقالات بسیاری در رابطه با جنبش کارگری کره نوشته است سوال کرد که در تمامی مطالبی که در رابطه با جنبش دانشجویی و کارگری کره جنوبی آمده است در هیچ جا اشاره ای به جنبش سوسیالیستی و کمونیستی دانشجویان کره و یا جنبش کارگری نیست؟ آیا این بدان معنی است که گرایش پرو چین یا پرو روسیه هواداری در کره ندارد؟ ایشان توضیح دادند که در تمامی سالهای تحقیق اش هیچ جا به چنین گرایشی برخورد نکرده است اما این بدان معنی نیست که در حلقه‌های دانشجویی کتابهای چپ و مارکسیست مطالعه نشده است که حتما باید مطالعه باشد اما دلیل علنی نبودنش شاید بر می‌گردد به شرایط امنیتی خود کره.

61-Minjung

62- Silhak - <https://en.wikipedia.org/wiki/Silhak>

63- Park Chung Hee

64- https://en.wikipedia.org/wiki/YH_Trading_Company

- 65- <https://en.wikipedia.org/wiki/Minjung>
66- city of Gwangju, South Korea, from May 18 to 27, 1980

67-

دولت کره جنوبی برنامه سازی بسیاری کرد تا نشان دهد که این اعتراض مردمی توسط ارتش کره شمالی صورت گرفته است که نیروهای اجتماعی اعتراضات وسیعی راه انداختند برای افشای این سیاست دولت

<http://koreajoongangdaily.joins.com/news/article/article.aspx?aid=2971886>

68- Chonnam National University

69- https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju_Uprising

70- <https://libcom.org/history/1980-the-kwangju-uprising>

73- Yun Sang-won

74- <http://www.atimes.com/article/the-truth-about-yun-sang-won-and-the-gwangju-uprising-in-1980/>

75- Chun Doo-hwan

76- https://en.wikipedia.org/wiki/Chun_Doo-hwan

77- https://en.wikipedia.org/wiki/386_Generation

78- Chun Doo-hwan

79- https://en.wikipedia.org/wiki/Chun_Doo-hwan

80- Change and Continuity in Korean Political Culture An Overview. Hong Nack Kim. West Virginia University

81- Roh Moo-hyun

82- https://en.wikipedia.org/wiki/Roh_Moo-hyun

83- Lee Myung-bak

84- https://en.wikipedia.org/wiki/Comfort_women

85- Minjung

86- Great Struggle

87- https://en.wikipedia.org/wiki/Lee_Myung-bak

88- Korean Confederation Trade Union

89- <http://www.icnl.org/research/library/files/South%20Korea/KoreanStudies.pdf>

90-

Emergency Decrees, National Security Law, Anti -Communist Law, etc.), the use of military, the Korean Central Intelligence Agency, and the Defense Security Command

91- https://en.wikipedia.org/wiki/March_1st_Movement

92- https://en.wikipedia.org/wiki/Gwangju_Student_Independence_Movement

93- https://en.wikipedia.org/wiki/June_Democratic_Uprising

94- https://en.wikipedia.org/wiki/Lee_Myung-bak_government

95- The People's Movement Coalition for Democracy and Reunification (PMCDR).

96- the New Korea Democratic Party (NKDP)

97- Kim Dae Jung

اما کیم دا جنگ کیست؟ ایشان از فعالین جنبش دانشجویی دهه شصت بود که در سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ نماینده مجلس شد، دولت پارک او را تبعید کرد و در ژاپن به او سوءقصد شد و دولت کره او را ربود و دوباره به کره بازگرداند. وی از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ در زندان بود. عفو بین الملل او را به عنوان زندانی عقیدتی معرفی کرد. بعد از ترور رئیس جمهور پارک جنگ دوباره به فعالیت سیاسی پرداخت که در سال ۱۹۸۰ دستگیر و به مرگ محکوم شد بعد از

اعتراضات بسیار او را به ۲۰ سال و بعد ۱۱ سال زندان محکوم کردند. پاپ ژان پل دوم برای آزادی او نامه نوشت. ایشان همان سال به امریکا تبعید شد، در دانشگاه‌ها روارد به تدریس پرداخت. او در سال ۱۹۹۷ رئیس جمهور کره شد. https://en.wikipedia.org/wiki/Kim_Dae-jung

⁹⁸-<http://nvdatabase.swarthmore.edu/content/us-officials-nonviolently-intervene-south-99-korea-protect-leading-dissident-kim-dae-jung-1985>

⁹⁹- https://aparc.fsi.stanford.edu/sites/default/files/KDP_Report_%28final%29-1.pdf

¹⁰⁰- Korean Workers Hagen Koo Cornell University 2001 P185

¹⁰¹-¹ Company cultural Movement

¹⁰²- Tamul Ideology

¹⁰³- Organizing at the Margins – Jennifer Jihye Chune-Cornell University 2009

¹⁰⁴-

The struggles of Irregularly-Employed Workers in South Korea 1999-2012 Jennifer Chun
University of Toronto

¹⁰⁵

Jaenung Educational Tutors Union (JETU),

¹⁰⁶ * Eland Workers Union, 2007-2009: 510 days

¹⁰⁷ <http://nvdatabase.swarthmore.edu/content/south-korean-media-workers-resist-privatisation-television-networks-2008-2009>

¹⁰⁸

<https://libcom.org/news/ssangyong-motors-strike-south-korea-ends-defeat-heavy-repression-17082009>

¹⁰⁹- <http://www.themilitant.com/2009/7349/734958.html>.

¹¹⁰- <http://links.org.au/node/2056>

¹¹¹- <http://news.blogs.cnn.com/2011/05/24/riot-police-break-up-sit-down-strike-at-south-korean-auto-parts-plant>

¹¹²- <http://www.industriall-union.org/south-korea-150000-hyundai-workers-strike>

¹¹³-<http://www.koreaherald.com/view.php?ud=20160929000856>

¹¹⁴- <http://www.theinvestor.co.kr/view.php?ud=20161005000777>

۱۱۵- اتحادیه یونی گلوبال در ژانویه سال ۲۰۰۰ مبتنی بر صنعت بین المللی است و در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ اتحادیه در بیش از ۱۶۰ کشور در جهان به نمایندگی از ۲۰ میلیون کارگر عضو این اتحادیه می‌باشند. ۳۰۰ هزار نفر از کارگران زیر چتر اتحادیه‌ها ی کره هستند که بخشی از شورای اتحادیه‌ها ی یونی گلوبال هستند می‌باشند. اتحادیه ملی کارگران رسانه‌ها ، اتحادیه کارگران سلامت و بهداشت پزشکی، فدراسیون کارگران خدماتی، فدراسیون اتحادیه‌ها ی کارگران لوازم تحریر و مالی و.....

